

میرزا علی سرپرشته دارخسره و یک نفر مستوفی سخته گمشد و غوررسی و اطمینان رعایای ملوکات و دوات
خالصه بانهاست اختصار روانه نمود که رسیدگی کرده از برای هر یک از دوات مزبور که بزرگ و سایر ملوکات
لازم باشد بپسند که رعایا با اطمینان خاطر سرگرم امر زراعت و عیش و عشرت باشند و قدغن نمود که سبزه نژاد و حوض
از رعایای آنجا چیزی نخواهند (دیگر نوشته اند که چون بسبب کمی غله در آذربایجان از جانب اولیای
علیه حکم شده بود که از مجال خمس غله به تبریز حمل و نقل شود که اهل آنجا در عسرت نباشند مقرب آنجا قاضی
بعد از حصول آگاهی از حکم اولیای دولت علیه تمام زیاده در اطفال حکم نموده پی در پی غله بان سمت میسر
بطوریکه از فرار اخبار آذربایجان که بجز میسر غله در تبریز تنزل کرده و فوراً بهم رسانده است و آنجا
الولایت از این معنی زیاده شاکر و دعا گو شدند) (دیگر نوشته اند که در سر نیز آنجا نمود و در غربت قریه نیاور
مشهوران رخی بی از چوب خسته بودند و بهر حال در بهار سیل بی مزبور بر آمده سبب محطتی با نور و زوار میگرد
شد سبزه رفاه حال سردین و حصول دعا گوئی ذات اقدس بایون شاهنشاهی مقرب آنجا قاضی
در این اوقات معمار و بنا و عجله و آجر زیاد فرستاد که در آنجا بی بسیار محکم و خوب از آجر و سنگ سازج
که عابرین گرفتار صعوبت نباشند و بالفعل بنا و عمل مشغول گارستند غنیمت در کمال استحکام صورت اتمام
خواهد یافت) (دیگر نوشته اند که دو نفر از اهل کرمانشاهان بعضی میگفتند که از اهل نیاورند بوده اند بقصه ابر آمده
سی چهل روز در خانه میرزا رحیم اهری همان بوده اند و مشارالیه بی سابقه معرفی کمال محبت را در حق آنها بعمل آورده
با هم قرار میدهند که با اتفاق زیارت عبات عالیات بروند روزی بهمانان میگوید که رفیقان من مرد پیر میستم و
سبزه خرجی راه دارم غیر رسم با شما سفر کنم در راه پول مرا ببرید و مرا سرگردان بگذارید آنها میگویند این چه خرجی است
با ما میکنی محبت تو پسر کز فراموشان نخواهد شد و در عوض این محبت باید خدمتی بنماییم که در همه جا شهرت کند با بخل
با اتفاق روانه عبات شده و در قریه آوج من قرار خزان مشارالیه میرزا رحیم مزبور را با ولی نام آدم او بصر
چاق و قویقل سیاندهان نخواه را با اسب و اسب مقتولین برده و بی کار خود رفته بودند اهل آوج مطلع شده نفس
با آوج آورده پس کسان میرزا رحیم را اخبار و استحضار مقرب آنجا قاضی چرا غلیخان رسانده فرستاد هر دو قائلین ادر
حاکم همدان گرفته آوردند و در حدیث عزرا همدان و خرقان و اهرود در نزد علما و اعیان خودان قرار کشتن میرزا رحیم
و آدم او کرده بودند یکی از آنها که قاتل ولی نام آدم مقبول مزبور بود یا از و ائمه قصاص یا با جن طبیعی در قصه اهرود
و یکی را که قاتل خود او بود بزبان آوردند با اینکه قاتل بودن او نظر با قرار خودش در همه جای است و اطمینان
با مقرب آنجا قاضی مشارالیه رجوع بکلمه مطاع نمود و او را با میرزا ابوتراب پسر مقبول نیز امانی شرع فرستاده بعد از
بسته تا وارد کردن در مقبول بچاه پست لفظ جمله که در شرع مقرب آنجا قصاص شرعی است

۲۱۴۶

احبار و دول خارج

در روزنامه های سابق در گذارش جنگ نخلستان با چین نوشته شده بود که قائم مقام شهرکانتان با مالی خود اجناس
اعلان کرده بود که هر کس بکس نخلستان بکشد و سرش را بدارد حکومت بیاورد و صد روپیه از جانب حکومت بپردازد
داده میشود از قرار روزنامه که این اوقات رسیده است نوشته اند که از تبعه نخلستان سی نفر با هفت نفر
از اهل چین از لنگرگاه طرف بالای شهرکانتان بکشتی بخار فرستاده شده بود که رسیده بود و جمعی بصورت
سافری بکشتی بخار دیگر فرستاده بودند با آنها بر خورده اول نخلستان کشته و بعد از آن چینی را قتل کرده و کشتی آنها را
آتش زده و غرق نموده بی کار خود رفته بودند (در اکثر دولتهای فرنگستان مجازات و سیاست محض است
سیار شده است مثلاً یک تاجیک صاحب منصب را در کوچ دیده سلام او بر بخیزد یا زده یا دست
رو بخوبس می شود و اگر فرار نماید او را تفتان داد استهنگ تفنگ باومی کنند و این شدت و سختی سیاست
باین مرتبه دعس که نهایت سخت گیری است در حق آنها اعلیحضرت امپراطور فرانس این مرتبه را منافی مروت دانست
مجلس لغات در باره آنها در این اوقات امر کرده اند که فوسینی علاقه تربیت داده و فراری درین باب کتبی
بفرستد و سختی در اجرای سیاست عسکره بدینند که بعد از این انظر سخت گیری در اعاد نظام شود) (در
روستیه چون طیب بسیار کم است و آنها نیز که هستند بجهت کم مهارتی و عدم استحضارشان از معلومات درست معالجه
از عهده نمی توانند بر آیند و باین سبب جنسی از مرخصیها که معالجه پذیر هستند بوظیفه هلاکت می افتند لهذا اعلیحضرت
امپراطور روسیه در این اوقات حکم کرده اند که اطباء و جراحان موجوده انجرا امتحان نمایند اگر تکلیف صحت خود
بشهادت نامه لطیهای مشهور معتبر با سبب دیگر ثابت کردند فیما و الا در درون مملکت از حد بکار طب
و جراحی ممنوع باشند و اطباء و جراحان معتبر مسلم از سایر دول فرنگستان وارد کرده اند که بدولت روس
و درین باب از جانب اعلیحضرت امپراطور تاکید بعمل آمده است) (در هر محل فرنگستان در تربیت کردن اطباء
فوق العاده اقدام شده است و باین سبب استیضاحی که در تربیت اطباء خود تصور نمایند و این
اوقات در دولت باوید را فرار شده است که هر کس طفل خود را تربیت نماید و بکار و شغل باز نماند گذشت از آن
در غیرت او بطرفی از دولت مساعدت نمی شود و تذکره نمی دهند ششاه نیز باید بخوبس باشد این حکم را بکل
دولت خود اعلام کرده است) (در ایام پیش ازین در فرانسه در مملکت صونجی نام دختری بسیار فقیر
و عاجز از حصول معاش بدربخشه سوال بود است روزی بدربخشه آمده کردن کج کرده و چیزی خواسته بود
صاحب خانه محقری از راه آسان با داده بود دختر صاحب خانه دلش بجال او سوخته و حالت پریشانی و اضطراب
او بان دختر تاثیر کرده رفته از صندوق یک لیره که تخمیناً بیست و دو هزار دینار پول این ولایت است بیرون آورد

۲۱۴۷

و مخفی از پدر و مادر خود با و داده و بسیار عذر خواهی و اظهار و سوزی و محبت نموده بود بعد از آن ان دختر فقیره را یکی از تجار هر طور بوده است عقد کرده و بزنی گرفته و مسراه خود بسکی دنیا برده در اینجا بکار تجارت مشغول شده بود فقیره مرقومه صاحب ثروت و مکت و اولاد متعددی که در چند وقت پیش ازین فوت شده در وصیت نامه او نوشته که به پسر بزرگ خود نوشته بود که پنجاه تومان وجه نقد از مال من باید ببری بملکت صومخ فرانس در فلان محل و فلان خانه بدختری که بغلان نام داشته است بدی که در ایام فقر و مضطراب من من محبت کرده و حق جان برده من و اردشار آلیه حسب الوصیت مادرش تجاره مرقومه را بر داشته و از بسکی دنیا بفرستاده در محل مزبور تمام تحقیق را بد معلوم شده بود که در دوران ان دختر کلاً از پدر و مادر و بستگان برجده شده و اموشان تلف کرده فقط از ان سلسله خود همان دختر باقی مانده است که با کمال بی خبری و پریشانی بسربردنش را آلیه تجاره را در دست مادرش برده و با و داده گذارش سابقه مادرش را با او تقریر کرده بود و پچاره که از همه جا بوس و در کمال است و پریشانی بسربردن این عظیمه عیسی که بی خبر با و روی داده و قریح بعد از شدت تنها و خموده حیاتی تازه یافت و شرحی که بیست سال پیش ازین کرده بود در این اوقات قاید روز کاره گردید (در دولت رومیه و در وقت انقلابی که عا کر اینجا استعمال می کنند چون بر وجه مطلوب بکار می خورد از جانب دولت قرار شده است که هر کس در تفک سازی چهارت کامل داشته باشد از اهل هر دولتی که باشد با ردینه رفته و در اینجا تفکی که بر گردن و جان کردن آن همان تر از اینکه حال است اول است باشد اختراع نماید و در مقام تجریدی عیب در ایاز جانب دولت شخصی در عوض این صنعت پنجاه تومان داده میشود این گذارش را دولت ردینه توسط مفرای خود به طرف نشر و اعلان کرده است) (ازضا بطان بجهت جمهوری بسکی دنیا شخصی بجهت حرکت دادن کشتی که در دریای سی می نشیند التي اختراع کرده بود که چند ذرع تا آب رانی نموده محسنات آن بدرجه ظهور رسیده و در بسکی دنیا متداول گردیده حال در کل کشتیهای بسکی دنیا هر یک یکی ازین آنها که داشته اند و در این اوقات از ان آلت نموبدن آن آورده در بعضی کشتیهای انگلیس هم از روی آن آلت خنده و گدشته اند) (در روزنامه سابق نوشته بودند که اعلیحضرت امپراطور فرانسه بجهت جناب ستر پلینه پرنسسی ده هزار تومان سنوی قرار داده بود در موجب روزنامه که اوقات رسید مسیح مزبور در حق او بصیغه ابدی اعطا شده است که بعد از فوت او نیز در حق اولاد و عیال او اعطا باشد) (دیگر نوشته اند که از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانس برای ساختن راه آهنی در جزایر ماشرایبهای فرانس با چند نفر هندس مأمور شده و در این اوقات با پنجاه نفریت کرده اند که بنای راه آهن در آنجا بگردانند) اکثر محال و کمستان کسی که قصاص و قتل در حق آنها لازم می آید در مجمع نامس آنها اهل میگردند و جمهوری بسکی دنیا نیز این قانون منداول بود ولی در این اوقات قرار داده اند که ایگونه اشخاص را در میان مردم نکشند و در میان محسین و قصاص و قتل برسانند

۲۱۴۸

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه و نهم شهریور ماه مبارک رمضان سال ۱۲۷۳

مره سید بیت و غیره

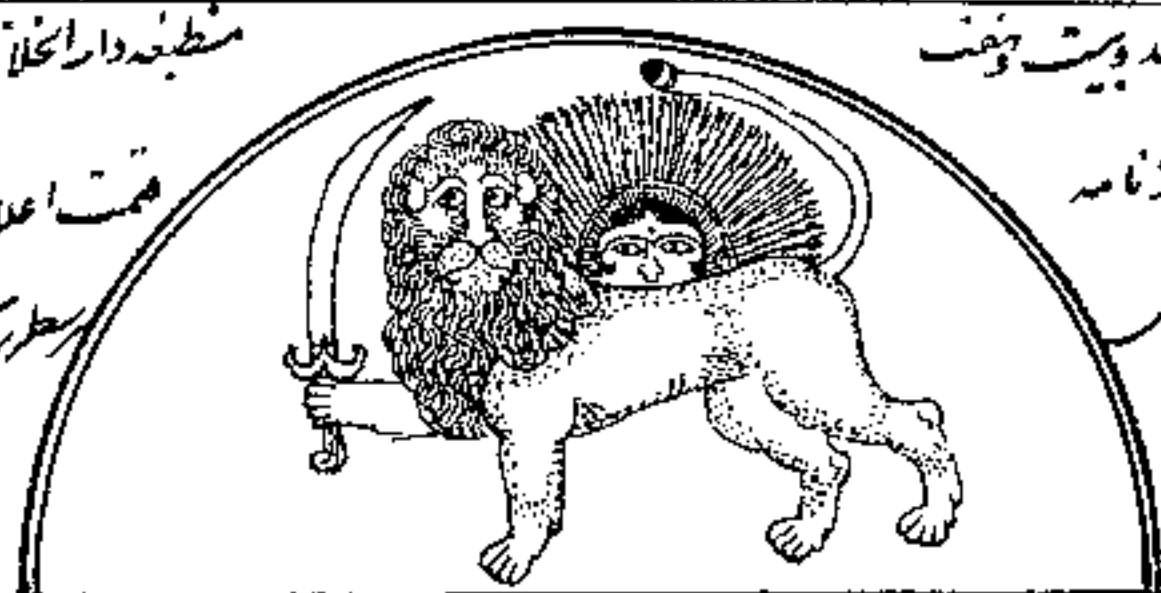
منظومه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه دوازده

هر خط دوازده



اخبار واحد مالک و سوادشاهی

دارالخلافه طهران

عالیجاه نریمان خان سرتیپ و نماینده سفارت کبری که از پاریس با عهدنامه منعقد و در تیسین ایران و این
 مدار الخلافه آمده بود روز نهم شهر رمضان المبارک با دستور العمل و احکام لازم از دربارها یون روایت شد
 که بجا پاری سفارت کبری خواه در لندن و خواه در پاریس ملحق شود احتمال میرود که جناب فحمت نصابت
 امین الملک ایچگی کبیر دولت علیه بنور از لندن مراجعت کرده باشد که عالیجاه شارالیه با ایشان سید
 امین کتلی حاصل است که چنانچه عهدنامه میان دو دولت مبارک تدارک گرفت بواسطه غنیمت جناب ایچگی کبیر
 هم که از راه کمال سین اولیای دولت انگلیس بوده است طوری اسباب بودت فرسهم آید که این دوستی
 سمت استمرار و دوام پیدا نماید و بنیان محکم آن از تفرق و انهدام مصون آید جناب ایچگی کبیر این دولت
 برای تمهید این نوع بنای محکم هرگز کونذ لیاقت و برانزندی و فرسهم تهیه و آماده کی را دارد امیدگلی حاصل
 که اولیای دولت انگلیس هم این فرصت را از دست ندهند و اسامی خود را از راه کفایت بر بنیای
 قوی گذارند (نظر بحال عموم عواطف را می بیند اسامی علیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه دربار
 جناب فحمت نصابت فرخ خان امین الملک ایچگی کبیر دولت علیه ایران و ملاحظه رخمانی که در راه خدمت
 علیه متحمل شده و میشود یکشوب کلیجه ترمه اعلی از طبوس تن مبارک با شسته مروضه که نهایت خوبی و مهتاب
 دارد برسم خلعت طلعت بجهت جناب معزیه الیه رحمت و عنایت و مصحوب عالیجاه مجدت مسر ابراهیم
 سرتیپ و نماینده سفارت کبری ارسال گردید) (چون عالیجاه میرزا کمال ساوجبی از عنده خدمات دیوانی
 امور و کالت قم و ساوه و درگذرانیدن محاسبات دیوانی این دو ولایت خوب از عنده برآید لهذا

۲۱۴۹

در این اوقات از جانب سنی الجوانب تا یون یکوی خسته تر که گمانی باو رحمت کردید سایر ولایات
 فارس از فراری که در روزنامه شیر از نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت و اهتمامات نوشت
 مستطاب بنزاده و الا بتاریخ مؤید الدوله حکمران مملکت فارس قریب نظام و ضبط است و مقررات
 مشیر الملک حاجی محمد هاشم خان دیوان بیکی و میرزا انیم شکر نوبس با شی فارس در انجام عدا
 محوله بخود کمال کفایت و اهتمام بطور میرسانند و سایر چاکران و کارکنان آن دیوانی هر یک در مشغول
 عمل خود مراقبت و مواظبت تمام دارند و عمال و ضابط و مباشرین هر یک در محکامات و بلوکات بواجب
 خود در کمال اطمینان مشغول خدمتنداری دیوان قدیشان اعلی و وصول و ایصال و جوه مالیات و سایر
 امور باب حوایج است میباشند و چون اول سال است نوآباد بنزاده مؤید الدوله کامی عمال و ضابط و مباشرین
 محکامات فارس را اجبار نموده اند که یا خود بشیر از حاضر شوند یا هر یک سنی از جانب خود با اسناد دیوان
 بفرستند که در دفتر خانه فارس محاسبات خود را با مستوفیان و کارکنان آن دیوان قدیشان گذرانند
 معاصحاب دریافت نمایند (در اول موسم باران نوشته اند که بارندگی شده و مردم قریب
 بودند تا در وسط موسم بارندگی شده و زارعین و صاحبان املاک زراعت کامل خنیا چند روزنامه های
 نوشته شد نموده بودند ولی از اواخر رستخان تا چندی بعد از خید نور که اوقات مقتضی بارندگی بود
 بارندگی شده مردم بیاس کالی حاصل کردند و یقین نمودند که امسال حاصل بطن نخواهد آمد و قحط و غلظ
 روی خواهد داد و باین واسطه نزع اجناس گول ترقی کرده بود تا اینکه از تفضلات الهی از شب نیمه شبان
 سبای بارندگی شده بارانهای متوالی خوب بطوری که مطلوب و مقصود بسیار نافع و مبرور آمده و شی
 در کوها برف بسیار آمد و کمال امیدواری از برای مردم حاصل گردیده نزع غله و سایر ماکولات نیز
 بقرن گذاشته روز بروز از آنر میشود و ازین بارندگیهای زیاد ضرر کسی و خرابی چیزی نیست که
 در شب بارندگی از صدای رعد که بسیار جیب بود و طفلی از خواب بیدار عوام زهره ترک شده فوت
 (از حسن اهتمامات و لیبای دولت علیه در این ایام نصرت فرجام اهل صنایع و مشروران ایران دست از پی
 صنایع و کارها بر آورده روز بروز صنعت خود ترقی می نمایند و امید است که غنیمت بعضی اسباب در دولت علیه ایران
 باشد بطوری خوب حسنه شود که با اسباب بیرون و ول مقابله نماید از جمله نوشته اند که حاجی محمد کاظم که خدای
 در شب بارندگی شیر از قریب بدروازه اصفهان کارخانه بلور سازی ساخته و از سنگ رودخانه
 میسوزند در سن اولاد و مردکی و کلاس و لستر و شیشه قلیان در کمال اقبال و صفا در کارخانه نور ساخته
 میشود و چند صفا و خوبی خریدار زیاد بیم زنده با طراف بفرستد و از جمله قلیان که چندان فرق

۲۱۵۰

بابلورندار و عددی شش عباسی بفرش میرسد و سایر اسباب از لاله و مدکی و غیره نیز بهین نسبت
 میشود و بجهت اینکه این کار در آن ولایت رواج بکند بلکه رفته رفته زیادتر و خوبتر شود مقترب انخافان حاجی
 قوام الملک از جانب دیوان اعلی صاحب آن کارخانه را از ادای وجوه کارخانه مزبور معاف نمود و مشارالیه
 سعی زیاد دارد که خمیره این بلورالات تصفیه آن بطوری بعمل بیاید که بهتر و صاف تر از آنکه حال است باشد
 و بکل ممالک محروسه برسد (از قراریکه در روزنامه بندر عباسی نوشته اند خبر فوت مرحوم امام مسقط
 بتواتر با بخار رسیده و زبده العظام رسیده ثوبی پس اگر شش سجای او ممکن گردیده صید ترکی برادر کوچک او
 که در زمان پدر حاکم صحار بود اظهار مخالفت نموده با غوای جمعی از اعراب بدوی و دشمنی را که در درون
 موسوم بشناس و لو او با صید ثوبی مربوط بودند خواسته بود استخراج نماید و از خود آدم در آن دو محل
 سه عراده توپ و جمیعت بر سر آنها فرستاده مشارالیه نیز صید ثوبی را از این مقدمه استحضار و اندک
 آنها را معاد و دست او در خوداری و سیانت محل با آنها تا کیدات نوشت که قطع و جای خود را از دست نداد
 منتظر ورود او باشد و خود نیز با جمیعت و استعداد چنان استیصال از مسقط حرکت کرده بجهت مدعوه برگشت
 که رفع افتاد و دفع اضداد نماید) (دیگر از قرار خبری که از مسقط رسیده بود نوشته اند که طایفه بلوچ
 بطبع نوح افتاده اراده تصرف بندر کوادر که از مجال تحت اختیار مرحوم امام مسقط بود نمودند و جمعی
 اندند زبده العظام رسیده ثوبی نیز بمحض استحضار یک غراب جنگی از خود با جمعی از اعراب سبای حربی
 روان نمود) (دیگر از قرار اخباری که بنیدر مزبور رسیده نوشته اند که دولت نخلیس از منبسی الی بقره را
 سیم قطع میخواست در دست بکند و از دریا و آب تا بصومق قطع بکند و در این اوقات یک چهار
 مخصوص که محموله اش آلات و اسباب این کار بوده است از مسقط بطرف بصره گذشته است) (دیگر نوشته
 که طاری در بندر عباسی اجیر یکی از تجار شده و بتدریج اموال موفور از حجره تا جر مزبور برفت برده بود
 در این اوقات که دزدی او بروز کرد تا جر مزبور در سی مال حجره خود کرد و بدست لقمی مال او را برده است
 ولی چیزی در دست ندارد معلوم نیست که تلف کرده یا بچه مصرف رسانده باشد چون اموال مسرقه از
 او امکان وصول نداشت و از جنس او نیز بجز تحمل محافظت و خرج فایده متصور نبود تا جر بجزئی با بملک او که دو سه
 پارچه مس و صند و قچ پیش نبود اکتفا کرده او را مطلق العنان نمود) (دیگر نوشته اند که در یازدهم شعبان
 ازین باب رسید که التدیویری خان بشاکردی را سه نفر از اهل بشاکرد که با او سابقه خصومتی داشتند در جایی که تنها
 بوده است بر سر او ریخته و او را بضر شمشیر و نیزه بقتل رساندند از چون مرحوم شیخ سیف از بنیه او اولاد می دارد
 عالیجاه شیخ سعید که بنده عباسی چند نفر از بنیان تجر آوردن اولاد مرحوم مزبور بشاکرد فرستاده است

۲۱۵۱

گیلان از قزاق که در روزنامه رشت نوشته اند مقرب الخاقان میرالامراء العظام امیر الخاقان عبدالملک حکمران
 دارالملک گیلان در تنظیم امور ولایت و رفاه و آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی اهتمام کافی بعمل می آورد
 و امانی تولایت از شهری و روستائی و کسب و دهانین از حسن سلوک و رعیت داری مقرب الخاقان مشارالیه که کما
 وقت و غوررسی در عرض و داد مردم و امور عالی و ادانی بعمل می آورد نهایت شکرانه و رضامندی دارند و در
 رفاه و آسودگی بکار و کسب و عیبتی خود و دعاگوئی ذات اقدس بپایون شاهنشاهی اشتغال می نمایند احدی از
 مباشرین و غیره قدرت تعدی و خلاف حساب نسبت بکسب و رعیت ندارد از جمله مباشر کسبه شهریک قسط
 برده بی آنها حواله کرده بود درین باب صیاف عارض شدند مقرب الخاقان مشارالیه محض ملاحظه رفاه حال
 آنها و حصول دعاگوئی ذات اقدس بپایون شاهنشاهی قسط مزبور را بتخفیف آنها مقرره است حکمی صادر کرد و دعا
 گیرکار و کسب خود مراجعت نمودند (دیگر نوشته اند که نشان تمثال پیمثال بپایون با یک ثوب چه تر که
 جانب سنی بجا نب ملوکانه با فتحی امیرالامراء العظام عمید الملک مرتب شده بود تا بجا که پرتو وصول
 مقرب الخاقان مشارالیه با عموم اعظم واعیان ولایت از طبقه نو کرد رعیت تا خلق پو شان شتافته لوازم
 توقیر و احترام و اعزاز و تکریم نشان ایشان و خلق آفتاب طلعت و فرمان قضا جبران مبارک را بطور
 بعمل آورده و قبل از وقت انواع شیرینی و تکلفات در مجلس خلعت پوشان چیده بودند بعد از ورود ک نشان
 تمثال پیمثال بپایون و خلعت مبارک را آویز پیکر مغررت و زینب اغوش مبارک نمود اجرائی شکک ثوب
 شده امانی و اعیان مرسم تنفیت و مبارکباد در ابل آورده صرف شربت و شیرینی نمود از خلق پو شان
 کردند و از ظهور اینگونه مرسم مبارک را قدس بپایون علیحضرت شاهنشاهی در حق مقرب الخاقان مشارالیه عموم
 گیلان از اعالی و ادانی اظهار مرتت و تشکر و شادمانی می نمودند) (دیگر نوشته اند که پسر مشهدی خانجان نام
 گیلوانی را متهم بقتلادی با دختر بی از اهل قریه مزبور نموده و مسلح صفت تو مان مباشر آنها با سم جرمیه
 از کتاب عمل مذکور از مشارالیه گرفته بود مراتب بعرض مقرب الخاقان عبدالملک رسید در مقام تحقیق و غوررسی
 بر اینه معلوم شده بود که نسبت فدا و ارتکاب عمل شنیع آن پسر محض کذب و افترا بوده است و بجهت بهانه جوی
 و اخذ داخل این تهمت را با ولایت اندک مقرب الخاقان مشارالیه نتواند مزبور را حکما از آن مباشر استرداد
 بصاحب نتواند رد نموده و قدغن نمود که اگر بعد ازین از مباشر مزبور یا سایر مباشرین کسیکو ز تعدی نسبت بکسی
 شود مورد مؤخذه و جرمیه است باشد) (دیگر نوشته اند که در این اوقات چند نفر از دزدان معروف گیلان در دایه
 قرار دزخ دزدی کرده اموال مردم را بزدند مقرب الخاقان عبدالملک امیرین در ده انظار گرفته بهر رشت آوردند
 که ریاده بزدی و سرارت مشهور و در بر قریه بکسب عیبتی مزید سیاست نیز کردیده و باقی محبوس اند تا حکم آنها

۲۱۵۲

هرست از قراریکه در روزنامه هرات نوشته اند چون بگاه قبل از عید نوروز الی چندی از عید گذشته
 در صفحات هرات باران نیامده و آب رودخانهها و غیره قریب با قطع رسیده پریشانی بحال صاحبان
 وزراعت روی داده بود بنابر رسم معهود اولایت که در چنین اوقات بدعی باران بیرون میروند
 عذر مبارکه را که اعتقاد جمعی بر آنست که از جناب خاتم النبیین صلوات الله علیه بخواهند بر این رضی الله عنهم و از آنجا
 بانه معصومین علیهم السلام و از ایشان شیخ کبیر رحیم الله و از آن شیخ الاسلام زنده پیل احمد جام قدس سره
 رسیده و آداب قانونی که بایت علماء و سادات و اعیان و اشراف اهل جماعت و طبقه مایه بردار با خاص
 عام بیانات اجتماع دور و متصل بیرون شهر زده با استدعای نزول باران رحمت الهی بوازرم زاری و عجز و
 در حضرت غرت قیام نموده و نماز باران کرده معاودت نمودند و در روز سیم نیز که روز جمعه بود بهان پنج مسجد جمعه
 شرایط آداب طاعت و عبادت بعل آورده درین روز نواب مستطاب هزاره و ابراهیم سلطان و اهل مملکت
 حیدرآباد نیز مسجد نور شریف آورده با اهل و اعیان در دعای باران سراسر ای نمودند و جناب قاضی عثمان
 برادر مرحوم خان ملا خان مفتی ادهی خطبه بلین نموده اشراف و اعظم اهل و اعیان چون نواب هزاره را صاحب
 و مسووم را مجمع مقام معقزی دیدند از نواب هزاره مستدعی شدند که مانند بر اهل ممالک محروسه که گذار
 جنگ سمت فارس از دریا بیا یون مستدعی دفاع و جهادند باین ولایت نیز ازین از دولت علیه داره
 که با فرق مسلمین در راه دین بکلیف شریعت و این اقدام نمایند نواب معزی الیه در جواب آنها فرمودند که مرا
 بدولت و جمیث در دینداری اهل این ولایت را بجا کپی اندس با یون شایسته خلد الله ملک و سلطانه معروض
 بدینچه حکم حکم حسروانی شرف نفاذ یابد از انرا معمول خواهند داشت و اهل عطف و التفات زیاد با
 نموده اند باینجه بعد از انقضای آن ایام هم در آن روز که صبح شانزدهم شعبان قبل از طلوع آفتاب نزول رحمت
 الهی آغاز نموده تا شبانه روز اغلب اوقات بارانهای بسیار شد بدینطور که طانی این مدت را که باران
 نیامده بود نمود و آب رودخانهها هم بسازنده کمال امتیاداری از برای صاحبان ملک و رعیت بلکه برای
 عموم اولایت برسد تشویشی که از خشکسالی و کرائی غله داشتند بکلی رفع کردید (دیگر نوشته اند
 که نواب مستطاب حسام سلطنه درین اوقات حکم نظامی دادند که افواج مرغه و فشار و بکلو و سواره اسون
 و توپخانه در یو کم کشته میت و سیم شعبان در چین که در استان اردو بزنند و در آنجا مستعد باشند تا هر
 که حکم شود حرکت نمایند) (دیگر نوشته اند که مدتی بود مقرب الخاقان شجاع الدوله ساخان اینجانی حسب حکم نواب
 حسام سلطنه مستوفیان هرات را که جمع خرج هرات استخض و برای هر طبقه عامل و محاسب علاوه معین می نمودند
 اوقات حسابی با تمام سازنده و بدی بر محل معین بوده است ولی بجهت پریشانی که در ایام محاصره یولاری بایت
 داشتند و در آنجا
 در آنجا

۲۱۵۳

اجزای دول خارجی

مصنف مسخر روزنامه انگلیس تقصیری در خصوص مهوریت و یارث جمعیت مملکت روس داده است
 و جغرافیا دانان مشهور معتبر که مالط برون و بابلی و حال باشند در سنه ۱۸۲۰ محله حساب جمعیت مملکت روسیه
 در کتب جغرافیای خودشان مندرج ساخته و مقابل کرده اند نظیر نوشتجات مؤلفین مزبور که جمعیت دولت
 روس در وقت تمام رسیده اند درین پنجاه سال آخر هیچ دولتی مثل دولت روس در مهوریت و کثرت
 ترقی نکرده است بطوریکه از عهد بطرکبیر الی حال که یکصد و پنجاه سال و کسرت ایستاد در برابر بوده است
 و نوگوین و تاریخ ممالک شمالی یکی دنیا در تحریرات خود چنین نوشته است که مملکت روسیه در عالم است
 واقع است و جمعیت ممالک شمالی جهان جدید فقط این دو ولایت است در دنیا که فوق العادت و ارزانی
 و بابلی مورخ و جغرافیای مشهور در سنه ۱۸۲۲ عیسوی جمعیت دولت روس را پنجاه و دو میان که هر یکانی دو
 کروم حساب ایران با نوشته است حاصل نام جغرافیای مشهور دیگر میگوید که جمعیت روس در لی هر صد
 زیاد میشود و در سنه ۱۸۲۷ این جغرافیای مزبور پنجاه و نه میان نوشتند چنانچه موافق حسابی که در وزارت خارجه
 در سنه ۱۸۳۹ نمود جمعیت این دولت را پنجاه و نه میان و یکصد و سی و سه هزار و پانصد و شصت نفر اعلام
 بودند درین سال نیز چند نفر قبل حساب حکم اعلی حضرت امیر المومنین جمعیت مملکت را بدقت سر شماری کرده
 است و سه میان حساب آمده است و در روزنامه عسکریه روس نیز نقل جمعیت دولت مزبور را با این
 نوشته اند اهل کلیتیه روس پانصد و ده هزار اهل کلیتیه مل خارج در روس ستمیناسی و پنج هزار سبجا که نسبتاً
 سبجا بوروثی دارند یکصد و پنجاه و پنج هزار عساکر خاص شهری که از سر بار دادن معاف هستند چهار صد
 بیت و پنجاه غیر با که با اختلاف زمان در خاک روسیه مسکن دارند چهل هزار طوائف قزاق که در صحرا
 ایالات ادرال دون دو واکه و سحر اسود و بیکال و هم چنین المالی با سبک و قالموق و در میان جمعیت شهری
 مراتب وسط و پست که اهل تجارت و اصناف و غیره هستند پنج میان اهل عساکر عام چهل و پنج میان طوائف
 پانصد هزار جمعیت مملکت قفقاز یک میان و چهار صد هزار پادشاهی پولک که ممالک له باشد چهار میان و
 هزار ولایت فنلان یک میان و چهار صد هزار این روس که دینکی دنیا ساکن اند مقدار و یک هزار مسافران
 دولت روس است و چهار میان لگو متر مربع میا و زمینها که بر او رد کرده اند جمعیت ملت روس در سنه ۱۸۲۰
 چهل و یک باشد یکصد میان خواهد رسید دولت روس یکصد و دوازده ملت مختلفه است و بد و دوازده طایفه
 تقسیم شده است بیشتر از همه این سکدون که مذکور و سنه ۱۸۲۰ بعد پولک و قزاق و جماعت سردیان که در صحرا
 است طوائف مزبوره بهترین خاک مملکت روسیه را دارند و از ارض خوشتر که در دنیا نیست بر سر چندان ترقی نکرده

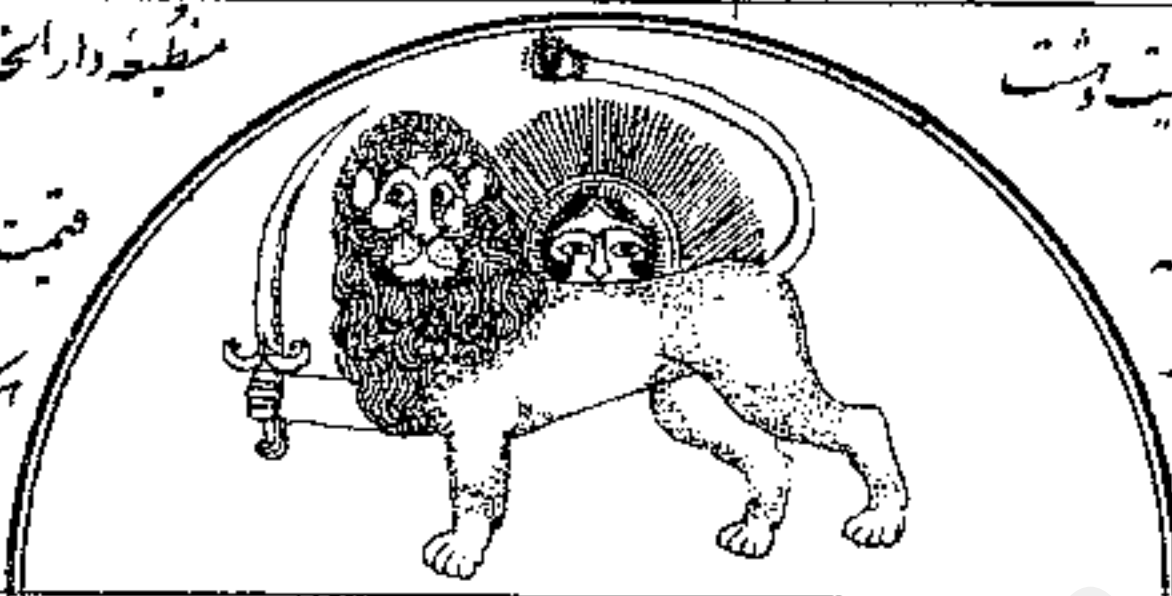
روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۰م شهریور المبارک مطابق سن ۱۳۱۱

منطقه دارالخلافه طهران

تذکره سید و بیت دوست

قیمت اعلانات
هر خط ۱۰۰ ریال

قیمت روزنامه
هر نسخه ۱۰۰ ریال



اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات که ایام ماه مبارک رمضان است عموم مسلمین در مساجد و محافل طاعت و عبادت و نمازجا
و تلاوت کلام الله مجید قیام و اقدام دارند و در مسجد بزرگ شاهی و مسجد جامع و سایر مساجد دیگر هر یک
زیادار کافه انام و پیروان شریعت غزالی خیر الانام دست سید به علمای اعلام و فقهای ذوی القرب و الاحترام که
پیشوایان دین حسین و مروج ملت بیضای حضرت سید المرسلین صلوات علیه و علی اجمعین میباشند امامی و اعیان را
بطاعت و عبادت و بذل صدقات و ان نفق و نفق احوال عجزه و ضعف و اقدام با مورخین و ثواب ترغیب و تخریب
و بر راه صلاح و دستگیری راهبانی و دلالت می نمایند و هر روز بعد از ادای نماز جماعت در مسجدی و عظم و عظم
کوشش بوشن حضرات مجلین عبادت و صفوف جماعت را در مواضع و نضاح متعلق داشته عموم نامسن نفق
به عای بقای دجو و فانیس انجو و همایون سرکار اقدس ها یون شاهنشاهی و از دیار دولت و شوکت مصون از
چیز دارند و با وصف کثرت حقیقت دارالخلافه مبارک طهران که هر سال دیگر بیشتر است کمال اقیقت و انظام
حاصل است و کسب یاری حرکت خلاف نسبت دیگری نیست خاصه در لبالی اجیا که تا وقت سحر مردم در مساجد
کوچها و عبور و مرورند در از منته سابقه و درین لبالی اجیا حیوانات از بعضی الواط و او با شس پاره حرکات شایسته
بر بنا زعه و غیره ظاهر می شد در این ایام فریوزی فرجام که با کمال اقیقتین است مطلقا از شرارت سسی و از اسرار
اسی باقی مانده است تا نزدیک سحر عباد الله سبحانه در گردش و بلوازم طاعت و عبادت و ادکار و او را
و استماع موعظه و احادیث مشغولند و هوای دارالخلافه مبارک که نیز خپاچه دروغه که شسته شسته شد در کمال خود
و صفای طاعت است و این اوقات او این شکستن کل سرخ و موسم خرمی و خوبی هواست و عموم امامی دارالخلافه کمال
سکرانه و خرمی را از خوبی و طاعت هوادارند که با وجود بلندی روزها مطلقا عطش بر کسی تاثیر نمی کند و ناخوشی نیز از

۲۱۵۵

هیچ قسم بجهت الله در میان مردم ظهور ندارد (چون این اوقات ایام صیام است و اطراف دارالخلافه
 مبارک طهران نیز با قضاوی فصل کمال صفا و خرمی را دارد لهذا سرکار اعلیحضرت آقدس عالیون شایسته خلیفه الله
 ملکه سلطانه بعضی روزها برسم تقن و مشغولی خاطر مبارک موار شده اطراف دارالخلافه مبارک را گردن
 تفریح میفرمایند از چهارشنبه ماه مبارک تشریف فرمای سمت امیر آباد و آن اطراف شدند در راه
 میدان سب و دانی میان فوج ششم اردبیل و مشکین ابو اسحمتی مقرب الخاقان نتیجه الامه العظام حسنعلیخان میر
 قش آمدند اگرچه در ایام صیام افواج قاهره از مشق معاف و مخصول و لی چون محلی تازه از فرکتان آمد
 و مشق حجازی بطور جدید میدید فوج مزبور برسم تجمه شوقی که خود در مشق دارند و هم تجمه مشولیت ساعت
 عصر را تا دو ساعت پس خود در بیرون دروازه مشق می کنند در آن روز سرکار آقدس عالیون شایسته
 اید القیسه ملاحظه مشق و حرکات آنها را فرمودند با اینکه ده روز بیشتر بود که این مشق را میکردند و کمال
 خوبی مشق حرکت با شیپور بودند و حرکات آنها و اتهامات مقرب الخاقان مشارالیه در نظم مشقان
 و مطبوع خاطر ملوکانه افتاده مقرب الخاقان مشارالیه مورد عنایت و نوازش آمده باخاد و افراد فوج مزبور هم نعام
 ملوکانه التعمات کردید (در مختصای که ششم بمجلسی در روزنامه نوشته شد که جناب فحامت نصاب فرخ خان
 امین الملک سغیر کبیر دولت علیه ایران در پارس پای تخت دولت فخریه و نسه نظر باذن و اجازت و محتاجی
 که از جناب اولیای دولت علیه است با جناب چارلس بارون کادلی وزیر مختار دولت فخریه انگلیس مقیم پارس
 در خصوص رفع برودت حادثه و رجوع مسالمت قدیمه باین دولتین ایران و انگلیس چند مجلس گفتگو کرده قرار
 صحیح باین دوین ذی شکیست مبنی بر پانزده فصل که بعضی در باب قرار کار افغانستان و بهرات و بعضی در
 مستلقات تجاری و بعضی در مواد انقادیه و کلیه امور و احوال موجود داده بودند مصاحبه نامه از طرفین تحریر و کتبه
 مصاحبه نامه مرقوم را عالیجاه محمد مسراوه زبیر خان میر تپه دار الخلافه مبارک که آورده بنظر اولیای دولت
 علیه و بعد از قبول و امضای سرکار اعلیحضرت آقدس عالیون رسیده و بهر غیر آنها زمین کشته تصویب
 عالیجاه جهانبگیر خان العاد بقدر کرده که در اینجا با اولیای دولت انگلیس مبادله شود چون پاره و وعده شقوقا
 در مصاحبه نامه دولتین مؤتمره و مرقوم بکنند و در آن مواد باید ما مورین دولتین گفتگو کرده قرار
 و از اینجا که و کلا و اولیای دولت انگلیس زیاد طالب است حکام و ابطه و سستی و رفع برودت و احوال
 دست جناب فحامت نصاب فرخ خان امیر کبیر دولت علیه را که در پارس بود بلند پای تخت دولت انگلیس
 دعوت کردند که بتجدید و طایفه ملت و تشدید روابط مصادقت تقدیم نموده رسم مصافحات باین
 فخریه در احکام داده با جناب سغری الیه نیز نظر باذن و ایام مطلقه که از اولیای دولت علیه است دعوت و کلا

۲۱۵۶

د اولیای دولت انگلیس قبول نموده بموجب خبر اجمالی که از راه سیم تعرف باسلامبول رسیده و از اسلامبول
 نوشته بودند در عصر شهر حیب با واپور مخصوص و هماندار از دولت انگلیس جناب معزی الیه روانه
 و کمال لوازم کرام و احترام در واپور و محل های اقامت از جانب نامورین انگلیس عمل آمده در ورود و در بند
 تشریفات موافق شان معنی و بعمارت عالی بسیار خوب که قبل از وقت جهت منزل جناب سفیر کبیر از جانب
 اولیای دولت و وکلای عیث ارسته و تخصیص یافته بود ساعت از روز رفته در نهایت کرام و احترام
 وارد گردیدند و وقت عصر همان روز از جانب اعلیحضرت ملا انگلیس جناب سفیر کبیر را اخبار شرفیائی کرده
 و با رسوم و شکوه مقرر شرفیاب شده اند و بفاصله یک شب بعد از ورود از جانب اعلیحضرت ملا ترتیب
 ضیافت برای جناب سفیر کبیر شده و جناب معزی الیه با عزت و اجلال بضیافت رفته و در آن مجلس بسیار
 خوش گذشته است اگر چه در اول دعوت از جانب سفیر کبیر پانزده روزه وعده خواسته بودند لکن
 تعرف این اخبار در هفتم شهر شعبان بود و این قرار کو با بیت روز بوده است که جناب معزی الیه وارد
 لندن شده اند و اکثر روزها را در ضیافت اولیای و وکلای دولت انگلیس بوده و در هر مجلس بسیار حرام
 مینمودند و چندی نیز محض تفنن و سیاحت بنا داشته اند جناب معزی الیه را در آنجا نگاه دارند و درین بین هر چه

نامتای در امر مصاحبه بوده است با تمام برتند سایر ولایات (کرتان)

از فرار یک در روزنامه کرتان نوشته اند امور ولایات اخین مرقت نواب مستطاب عالی و الدوله
 حکمران الولايت قریب کمال نظام است و نواب معزی الیه در حصول امانت و نظم امور نوکر و رعیت مواظبت
 تمام دارند فوج خلیج ساوه را حسب الامر نواب معزی الیه عالیجاهان میرزا علی اکبر شکر نویس و میرزا محمد
 غلام میچیمت سان دیده و جوشان را پرداخته با اتفاق عالیجاه جانمحمد خان سرشنگ خود نامور
 شده از کرتان روانه شده اند فوج کلهر ابوالکحیمی عالیجاه زین العابدین خان نیز بشهر احضار
 نشان دیده و جوشان پرداخته شده روانه در بار محفلت مدارها یون شاهشاهی گردیده اند
 فوج رنگه ابوالکحیمی عالیجاه محمود خان نیز بشهر کرتان احضار شده و سان داده همه روز
 مشق و قراولی پها شدند و هم چنین فوج کوران کردی ابوالکحیمی عالیجاه ملک زخان نیز حسب الامر
 با آنجا آمده سان داده همه روز مشغول مشق شدند توپخان نیز با عالیجاه فرج الله یک با و خود
 میدان توپخانه روز مشغول مشق شدند از سواره و پیاده ناکلی ابوالکحیمی جناب آقا سید احمد که حسب الامر
 عماد الدوله مستحق در طرق و سوارع از کرده بید شرح الی سراب حاجی آباد بجهت و حرب مشغولند که
 و سرزدین راحت کرده بمنزل برتند

۲۱۵۷

فارس از قراریکه در روزنامه بند عباسی نوشته اند در نوزدهم ماه حیب بخاره از این قسم درنگ
 بند عباسی ارشدت طوفان و لطافت امواج دریا شگسته محموله اش هر چه بود بدست آمده بی نقص و عیب
 کردند و بخاره غرق گردید (دیگر نوشته اند که در روز عید سعید سلطانی و نوروز فیروز بجهت منبت شکوه دولت
 ابدت اجرای شیک توپ کرده اعالی دادانی بلوارم جشن و شادمانی پرده آینه مراسم عیش و سرور در
 مزبور بطور خوب تقدیم نمودند) (دیگر نوشته اند که چند نفر از امالی مجال سبجه لار با میرز الطیف الله باش خود
 مخالفت کرده بودند دسته سربازان را مأمور تا دیب آنها شده از اتفاقات در عرض راه بدزدانی که مال
 حاج علیضای جهرمی و سایر فاقه جهرم را در گردنه هرگز زده و بغارت برده بودند بزخوره مأمورین از
 و دست آنها دریافت مفاد يعرف البحر مونس بیجا هم کرده در مقام استرداد اموال مسروقه از آنها برآمده
 سارقین چون بقدیمت و تقرب بوده اند بجهت خود مغرور گردیده تقدیم تقابل پیش آمده بودند با هم زد و خورد
 و نفرار سربازان و نفرار زردان مقتول و سه نفر از زردان دستگیر گردیده باقی فرار برقرار اختیار
 از اموال مسروقه همراه داشتند بجا کشته شده جان تنگ پا بدر برده بودند مأمورین اموال مسروقه را بطار
 فرستادند که بصاحبان آنها تسلیم شود و مخالفین میرز الطیف الله نیز که این سربازان را مأمور تا دیب آنها بودند
 بعد از شنیدن خبر آمدن سربازان محالی که سکونت داشتند با طرف فرار کرده متواری شده اند و بواسطه
 امیرزاده حکمران آن صحنه نیز نیامده مجال سبجه نوشته اند که مرآت نظم امور مجال سبجه بوده مندرج
 توابع تشریح الیه باشد) (از قرار تقریر تجار بند عباسی که با دارالعباده یزد داد و ستد دارند مذکور بود
 که اشرفی تومانی سابقا در یزد تزل کرده بنده هزار و پانصد و نینار معاظمی شد در این اوقات که بز
 حکم اولیای دولت علیه تقرر شده است که تجار یزد ریال سجاج نقرستند و با اشرفی معاظمی کنند
 اشرفی باز بقرار اول آمده و بیک تومان رواج است و داد و ستد میشود و امالی ولایت یزد نیز از این معیسی
 شکر و خورسند بوده اند) (دیگر از قرار خبری که از دست کرمان به بند عباسی رسیده و در روزنامه
 آنجا نوشته اند قسطنطنیه کرمان که بکلا شکر آمده بودند از آنجا بچیرفت مرحتب کرده و در آنجا با
 اقامت دارند تا بدینچه حکم شود معمول دارند و چند جواز سوار از سعیدخان رودباری و میرعلامین
 جمال با رزی بست بندر کراچی فرستاده شده است که از آنجا و خبری بانها برسانند
 (دیگر در روزنامه شیراز نوشته اند که نواب مستطاب موبد الدوله حکمران مملکت فارس در شهر از
 میباشند و در نظم امور ولایت و رفاه حال رعیت و انجام خدمات دیوان قدر نشان اعلی اتمایات
 کافی بعمل می آورند

۲۱۵۸

اخبار دول خارجه

جمهوری کسبها ار چند وقت پیش ازین تاکنون همی بر بعضی ارباب و جو علیا نشان بقدر کفایت حاجت
 نمی شود و سال بسال رو بترزل بوده در این اوقات شدت درجه رت رسیده است و از اینکه رفته رفته
 عاقبت این حمله منتج خسارت کلی خواهد شد بجهت رفع ضرر و صلاح این فقره درین روزها جمهور را بهم باالت
 توانیک را که در تحت حکومت آنها درجه شمالی قطع میکنی دنیا واقع است بمسئله بیت و مفت که در تحت
 پول این ولایت بجمعیکی دنیا و اگر کرده اند (در روزنامه های سابق در باب بحث انامالی بکلین در خصوص
 جنگ بکلین با چین نوشته شد که آن مجلس بجهت بحث کلاهی ممتنی ختام پذیر شده اعضای مجلس متفرق گردیده و قرار
 انتخاب و کلاهی جدید ارتت شد که مجلس ثانی انعقاد داده و آن مخصوص مجدداً آمده اگر شود بعد از متفرق شدن
 مجلس اول بجهت ملاحظه بعضی محاسبات یک قومسیون تشکیل نمودند و مقارن اختتام آن در مجلس مذکور
 اعضای جدید ممتنی متفرق گردید در این اوقات که قومسیون مذکور ختام پذیر شده و بجهت اعضای مجلس ممتنی و کلاهی
 جدید از هر شهری بسای تحت لندن آمدند و مجلس ثانی انعقاد یافت از جانب کلاهی ملت سر وی که از جانب
 انامالی لندن وکیل و مقدم و کلاهی ممتنی بود در باب مواد مهمه مرقومه با جناب لار دپارتمنتس بگفتگو مبادرت نمود
 و اسکالانی که انامالی ملت داشتند بیان نمود جناب لار دپارتمنتس اسکالات مزبور را ایراد جوابهای کافی کرد علاوه
 بر آن مصدق حسن خدمات مشهوده خود را تحسین نام از انامالی اگر محال ابراز نموده نظر باین احوال نوشته اند که اول
 امور مهمه در مجلس مزبور بمخواه جناب لار دپارتمنتس صورت احکام خواهد یافت (که در سیم تنوع کبریت
 در روزنامه ها نوشته شده است که بجهت مخابره و پیغام از شهر بشهر و ولایت بولایت حروف تہجی و علامات دیگر از انامالی
 ساخته و هر یک برادر سیمی نصب کرده و آن سیمها را بقیر اندوده که از رنگ و رطوبت عیب نکند در دریا از تاب
 حسی از زیر خاک تا بقصد می کشند و هر یک ازین سیمها هر حرف و علامتی که در آن سیم منضوب است در این سیم
 بعینها همان است و در هر طرف کارخانه است و مباحثه مخصوص دارد و هر کس میخواهد پیغامی را سیم تنوع بفرستد
 کارخانه مطلب و را بسجروف و مقلعه در آورده بر تپ مطلب حرج الماسس اسجروف انامالی سیمها منضوب مخصوص
 الماسس بر سیم از آن سیم که بخواه فرسخ یا صد فرسخ یا بیشتر مسافت داده بقاصد دو یا سه یا چهار دقیقه
 و بعد برق سیم روشن می کند می باشد آن کارخانه که مرقب وصول جز است حرف و علامتی را که برق سیم از
 میچمد در صفی نوشته ضبط میکند بعد از اتمام بخواند و مطلب معلوم میکند و اگر جوابی دارد باز همان تفصیل ازین
 میشود اگر چه تاکنون محنت آن روز بروز بیشتر ظاهر میگردد و زیاد تر بجهت سهولت رسیده است ولی چون کل
 سیمها حرف بعینها نیست بلکه بعضی اطلاعات و اشارت مخصوص قرار داده اند و در تفهیم و تفهم آن بعضی اوقات

سهو و شتابه میشود و لذت در این اوقات از جانب دولت انگلیس اعلان شده است که هر کس از زمینداران بادکوبه
که استعمال کل این سیمهای مغزاف را بجز در وقت قطع بتواند پیدا نماید و برقرار کند که دیگر علامات و اشارات در
میان نباشد و عین پیغام و مطلب فی تصور شتابه و سهو خوانده و فهمیده شود و هزار تومان از دولت باو اع
داده خواهد شد بعد از این اعلان دو نفر مترو و دو طلب این کار شده اند یکی از اهل یکی دنیا که تجربه این کار بلدان
آند است و یکی هم از اهل خود لندن و هر دو این کار را تعهد کرده اند حال از جانب دولت قرار شده است که
هر یک از این دو نفر علاوه بر این قانون را برسم خود وضع نمایند از هر کدام که مطلوب تر و بهتر باشد مبلغ پانزده
هزار (در این اوقات از اعتبارین تجار انگلیس یکی دنیا چند نفر با هم متفق و شریک شده اند و قومی
ترتیب داده اند که صد فروند کشتی برآه نمایند از آنکه در اکثر محال روی زمین تجارت و رفت و آمد کنند و بعد
از آن صد فروند کشتی دوازده قطعه خرید و موجود کرده اند و باقی را نیز در آن مدت تدارک خواهند
داد دولت روسیه منظور دارد که بعضی از راههای آبی و لایت خود را که نزدیک به پروتسیاست بر آنها
آبی دولت پروتسیه متصل نماید و باین جهت مجدداً معاهده نماید بین دولتین روسیه و پروتسیه در این
تعلیم بیابد) (در شش سال قبل ازین که امانی پاریس پای تخت فرانسه را سرری کرده بودند و در چهارصد
میت و دویست و نوزده گوراناها جمعیت شهر مزبور بشمار آمده بود در این اوقات که مجدداً سرشماری کرده اند از آنکه
سه کرو و دویست و هفتاد و هشتاد و هشت است باین حساب در مدت پنج سال سیصد و پنجاه نفر جمعیت
این شهر افزوده است) (امالی شهر وینس پای تخت دولت انگلستان در این اوقات سرشماری
کرده اند از مزبور در چهارصد و پنجاه هزار نفر بشمار آمده اند) (از صاحب منصبان توپخانه انگلیس یک یوزبان
در محاربات سابق انگلیسها می که در بین جنگ خلیج شده بودند پیدا کرده و خیلی از آن فتنگهاران غالب دیگر گرفته
و اجزا بر کرده است تجربه نموده اند که خیلی بهتر از بار اول بکار میخورد و بجهت این خدمت مشا را می که در نظر
مستحق شده است دوازده هزار و پانصد تومان با و اعطای داده اند) (در وینس پای تخت آستریه بنا بر یک
کتابخانه مخصوص تربیت اطفال تجار که خط و سواد و حساب تجارت بیاموزند گذاشته اند که با نند و محتاج
آن باشند و هزار تومان پول این ولایت برآورد کرده اند ازین مبلغ پنجاه هزار تومان را خود تجار داده
وسی هزار تومان دیگر نیز از دولت آستریه اعطای شده است که کتبخانه مزبور را با تمام رسانده اطفال
تجار در آنجا مشغول تحصیل باشند) (حادثه ستاره دنباله دار در این اوقات بملکت یونان هشتر بافته
در اکثر کلیتیا با پاپاسها کیشیان مذاکرات این گفتگو که در طلوع این ستاره قیامت ظهور خواهد کرد یا نموده اند مردم
بسیار صدقات بکلیتیا می آوردند و دعای دفع این بلیه را شدیداً و با هر کس نشر و اعلان کرده اند

۲۱۶۰

روزنامه وقایع اتفاقیه و تاریخیه شهر مبارک منارستان سلطان حسین

نزد سید و بیت و نه

منطقه دارا خلاقه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شمشیر

هر شماره



اخبار و احداثیه ممالک محروسه و شاهیه

دارا خلاقه طهران

چون چند سال است که کسبه و اصناف شاه مبارک میضان را نقایس و بلورات و امتعه و سبب در میدان جدید مشهور بسزیه میدان چیده علاوه بر حجرانی که مستمر آدکالین بلور فروشی و غیره است سایر کسبه و اصناف در ایام ماه مبارک در اینجا جا در زده و حجره و دکالین ترتیب داده و میان آنها صنایع و بدایع غریبه و انواع امتعه و پارچه گداشته میروند و چون این میدان بحسب روح و فضا و خوبی مکان و قرب در بنجانه مبارک که از جای دیگر است که در ازمنه سابقه کسبه و اصناف در اینجا جمع میگردند سال بسال کسبه بیشتر میگردند و مشغولیت روزه داران زیاد تر فراهم می آید سرکار اعلی حضرت آقا میرزا یونس شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه خواجه میرزا محمد تقی و تماشای آنجا و شرف اندوزی کسبه و اصناف از زیارت وجود فایض انجود لوط کانه تشریف فرمایید منور میشوند در روز شنبه ۲۴ این ماه نیز بقرار معمول با بنجانه تشریف آورده جناب شرف امجد ارفع صدر است و سایر مقربان و خواص خدمت شرفیاب حضور مبارک بودند ساعتی در اینجا گردش و تماشا فرموده نقایس و اشیاء که در حجره ات و دکالین چیده شده بود بمعرض عرض حضور جایون در آمده بعضی اسباب بلورات و غیره از قبیل چمن پراغهای طرح تازه و سایر که پسند خاطر امیر اسامه بخیریداری آنها شایسته فرمودند و اصناف کسبه از زیارت وجود فایض انجود بهایون کمال خرقی و حرمی بهم رسانده تقدیم شکر گذاریدند و بعد از بیخروج تماشای میدان منور و این بندی حجره ات و انعام و ان بار با ب استحقاق بارک مبارک که سلطانی معاود فرمودند (عالیجاه محبت و نبالت همراه کنیاری لیکو ف و بر صاحب مضبان دولت بهتیه روئستید که از جایگاه جلالت و امارت تائب کنیسیار بار استی جایشین جریذیه بجهت بلاغ ذریعه جناب سخی الیه بخجور هم رسم بلور اعلی حضرت آقا میرزا یونس شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه با منور در بارهایون شده بودند و تقصیل درود نگاه مبارک و جنابان

۲۱۶۱

سایر ولایات) (آذربایجان از تواریک در روزنامه تبریز نوشته اند از حسن
توجهات اولیای دولت قاهره امور آن ولایت در کمال انتظام است و انانی ولایت آسوده حال
بدعا کونی ذات اقدس بایون شاهنشاهی اشتغال دارند و نواب مستطاب هزاره والایان نیز
فیروز میرزا حکمران مملکت آذربایجان هر روز در دیوانخانه بزرگ نشسته بفرق و داد مردم
کامل نمایند قبل از ورود قدیمی فدوی دولت ابد است مقرب انخاقان مؤمن سلطان میرزا انخاقان
وزیر نظام و پیشکار کل آذربایجان با ولایت کندی سعیر داشت و سایر ممالک ولایت نیز کم یاب بود
بصورت پیدا شد و مردم سسته آمد و اغلب دکان چینی بجه نبودن کندی سسته شده بسیار
بسیکشت مقرب انخاقان مشارالیه در شای راه ولایات تحت و خنخال و غیره قدغن آید
کرده بود که غله زیاد حمل و نقل در سلطنت تبریز نمایند بعد از ورود بته تبریز متوالی و متعاقب رسیدیم
مربور و بیجا آورده اند و در تبریز و فور بهم رسانده بجه الله رفع عسرت و پریشانی خلق کردید
مهم اهل ولایت از وضع و شریف و غنی و غیر این جمله بسیار راضی و شاکر و دعا گو میباشند و
معزی الیه روز ما را در اطلاق نظام نسته با ستحضار نواب مستطاب نصرت الدوله امور ولایت
و نوکر و نظام سایر مهمان دیوانی را فیصل میدهند مقرب انخاقان میرزا مصطفی قلیخان با مستوفیان
در دفتر خانه مبارک نشسته بحاجات و معاطات دیوانی و داد و ستد مالیات رسیدگی نمایند
و مقرب انخاقان حاجی میرزا محمدخان دبیر مهمان خارجه آذربایجان روز ما در الهاقی که در دفتر
معین است نشسته و بدقت و اتمام تمام با مورات خارجه که از قونولها و مامورین خارجه آنها میشود
رسیدگی میکند) (نواب هزاره نصرت الدوله آدمی بکنا رود در اسن مامورین بودند که از افراد خانهای تبریز
بر که ام حتماً بجه تبریز شده باشد تعمیر نمایند و هر جا هم که بنا و احداث فراول خانه جدید لازم باشد احداث
نمایند و سر تا سر آن سرحدات را بواسطه وضع فراولها و مستحقین مصبب و تنظیم سازند و نیز آدم
با استحضار از ارباب قلم ماموران سرحدات که رسیدگی تمام بحقایق امور سرحدات نموده روزنامه
طوبی صیج نوشته بنظر کارکنان مهمان مملکت برسانند که بعد از اطلاع وافی بر حقایق احوال اگر نظم
و فراری در امور مزبور لازم آید بگذارند تا عیب و نقیصی در هیچ باب و صیج خصوصی باقی نماند و در
داده اند که ما همی دو دفعه اتفاقات امور ولایات آذربایجان را احکام روزنامه کرده بته تبریز
و مقرب انخاقان محمودخان میرنج که حب احکام اولیای دولت قاهره مامور در سلطنت تبریز شده
بوده و او کردید و مشغول نظم افواج قاهره میباشد

۲۱۶۴

اخبار دول خارجہ

سندھ ملک نوشاتل کہ مابین دولت پرستہ و جمہوریہ ایوچرہ کہ سوئس نیز نیساند سنارغ فیر نو
 ختام پذیر شد است اگر چه جمہوریہ ایوچرہ بنا بر خویشش علیحضرت امیر اطوار استیرہ طرفداران پرستہ
 کہ در ایالت نوشاتل گرفته و محسوس نموده بودند مخص و آزاد کردند ولی ہور سنند برودت مندغ نشد
 و باصلاح کلی نیامد است) (از اخبار ریشکی دنیا نوشتہ اند کہ جمہوریہ مالک شمالی ولایت مزبور ولایت
 ساکور در اکہ در خلیج کی فارینا واقع است ہول خریدہ اند) (دیگر از انگلیس نوشتہ اند کہ کھر و گلای کھس
 اند شہر ہی دولت مزبور اتجا شہدہ و بی پای تخت لندن بچہ اتفاقا مجلس شورت آمدہ اند چہا رخصہ
 و حسب الرای و گلای مزبور کہ در امور واقعتی دارند منتہم بہ قسم کردیدہ اند) (دیگر نوشتہ اند کہ در
 لندن کونت کلارندان و کونسلس کلارندان صنیعتی بزرگ برای جناب فرخ خان امچی کبیر دولت علیہ
 و اتباع معزی الیہ نمودہ شمار سنگینی بچہ بزرگ احترام ترتیب دادہ اند) (لارڈ سیر امچی کبیر دولت
 انگلیس کہ نامور ریشکی دنیا بود بشہر و آسین تن یکی دنیا وارد شدہ و در چین پذیرائی اعظام نامہ سفارت
 خود را برینس جمہور دادہ و مذاکرات و دستاورد بچہ رعایت شراعت دوستی و اتحاد طرفین بیان
 در باب نظم امور مالک ریشکی دنیا وسطی کہ ماکینکو مابین دولت انگلیس و یکی دنیا شمالی بود
 بدقت تمام رسیدگی کردہ شرایط جدیدہ خوانند گذارد) (دیگر نوشتہ اند کہ جانی از راہ آہمی
 یکی دنیا شمالی در بین جمہور کانکہ بچہ سکتہ و بقدر صحت اتفاقا آدم تلف کردیدہ است
 (اعلان نامہ کہ از جانب حکومت چین در باب جنگ کردن با انگلیس نشر شدہ است در روزنامہ
 لندن ترجمہ کردہ و اینکوز نوشتہ اند مالی و مکتان کہ در مالک چین قامت نمودند چندی قول
 نسبت باستقلالیت حکومت داخل جبارت و اجرائی فتا دکرہ بشہر کانتان هجوم آوردہ بعضی
 جالای آن شہر را آتش زدہ اند و بعد از آن بچہ آثار شجاعت و بہالت قشون چین کہ بر شادت
 و معروف اند فرار کردہ اند و بسیاری از آنہار وان بمقدارشان در زندان تبار گرفتہ است بعد
 ہر کس یک فرنگی را در این ولایت ہمینہ روز با پیداوار بزند و بکشہ جو کہ یک کجری و بری فتح کنندہ
 و فرزند از جنہر تعداد و شمار مالک چین بچہ بہا و ستادہ میشود بان جتہ درین جنگ ہر کس
 و جاتا فدی بودنش از جملہ فرائض است ای مالی چین کسی کہ انہوش محیط جہان واقعات از جملہ
 نور چشم او ذرہ اتجا کردہ و مقدر ہجو و از الہ نجوم و بیات بنظر غیبی یعنی خاقان قالیچہ چین و مالک
 چین از فرنگیان کہ جز لایجری میانہ از رغبت تربیت صرف نظر نمودہ است باین جتہ بعد ازین باید

۲۱۶۵

همه با سبب است (در ممالک فرانسه چنانچه در سایر دول نیز معمول است بمالیات
مقرر از جانب دولت اراده شده بود که مسبقی علاوه نمایند در این باب از جانب اعلیحضرت
بوکلای مجلس چند دفعه گفتگو شده و اتفاق آراء همین سیاه بود تا در انعقاد مجلس مشورت که دکلائی
دلت جمع آمدند و نوبت مذاکره این مطلب میان آمد و تراید و ترقی مالیات باین صورت از جانب
مجلس تصدیق شده قرار دادند که این مسبقی که منظور شده است بقویا سیاهای ممالک فرانسه
و تقسیم شود) (در محاربات سابقه دول در فرم سبجه مصارف لازم گرا فرست ما سورین
در اسد مبول و محالات دیگر با تجار و تبعه دول مختلفه بعضی چیزها را بقونظورات ربط کرده بودند بعد
وقوع مصالحت آن قونظوراتها بهم خورده و آن دفاتر بر چیده شده هر کس بکمان و محل خود غریب نمود
چند وقت پیش ازین بعضی از اصحاب مطالبات بموجب قونظوراتهای خودشان سبجه استحصال
خود پیار پس فرستاد دولت فرانسه بیان کیفیت را نموده اند از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانسه
حکم شده است که بچاه و نهلمین فرانسه از خزان مخصوص این دعاوی بیرون بیاورند که بر کدام این
اشخاص که حق خود را ثابت نمودن و آن وجه حق او داده شود) (در روزنامه های سابق نوشته شده
بود که سبجه تحصیل فنون متنوعه با اذن دولت رسیده با سفاین مسلوبه سبجه سیاحت در سواحل
هند و چین و سایر جاهای جمعی از اهل سار و دینه فرستاده بودند در این اوقات از جانب دولت
یک قطعه فرقی معین شده که اکثر محال دنیا را گردش کرده تحصیل راه تجارت نماید و جمعی در کشتی
منویر سبجه این کار روانه شده اند) (چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده بود قایم مقامی ایالتین
دومبار و یا از جانب و کشتی بخامش سبجه محول است و بجهت آنکه بصر صابنه و این دو ایالت خیلی مهم و آبادان دیده
و گذشته این سار اینچه دو سال فقط بر تبه لوانی در سلاطین عسکریه بوده و محاربات متوالیه جاری نموده و سبجه
حال از نو دو سال متجاوز است چند وقش ازین سار که استغفار و مرخصی بودن از قایم مقامی این دو ایالت
مخصوصاً از دولت استر به سبجه عا کرده بود و اوقت قبول شد منوخر اعلیحضرت امپراطور استر به بر خود
جناب ارشد و قیاسیهین ایالتین مرقوم قایم مقام نموده و جناب شل و روسکی را بویته خویش
سامی حمیل او در امور کلیه عسکریه که در این مدت دولت و ملت آنها خیر و منفعت او ظاهر گردیده
او در خج قبول یافت و او را از تقدیم خدمات دیوانی معاف نموده سهالی سبت و پنجاه تو مان
از دولت سبجه معاش و تخصیص یافته و یکی از عمارات خاص اعلیحضرت امپراطور استر به نیز سبجه
معین گردید که بعد ازین از خدمت معاف و با سبجه محول باشد

۲۱۶۶

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پونجم خرداد چهارم شهر شوال المکرم بولسان سیدان سنه ۱۲۷۳

نمبر صد و سی

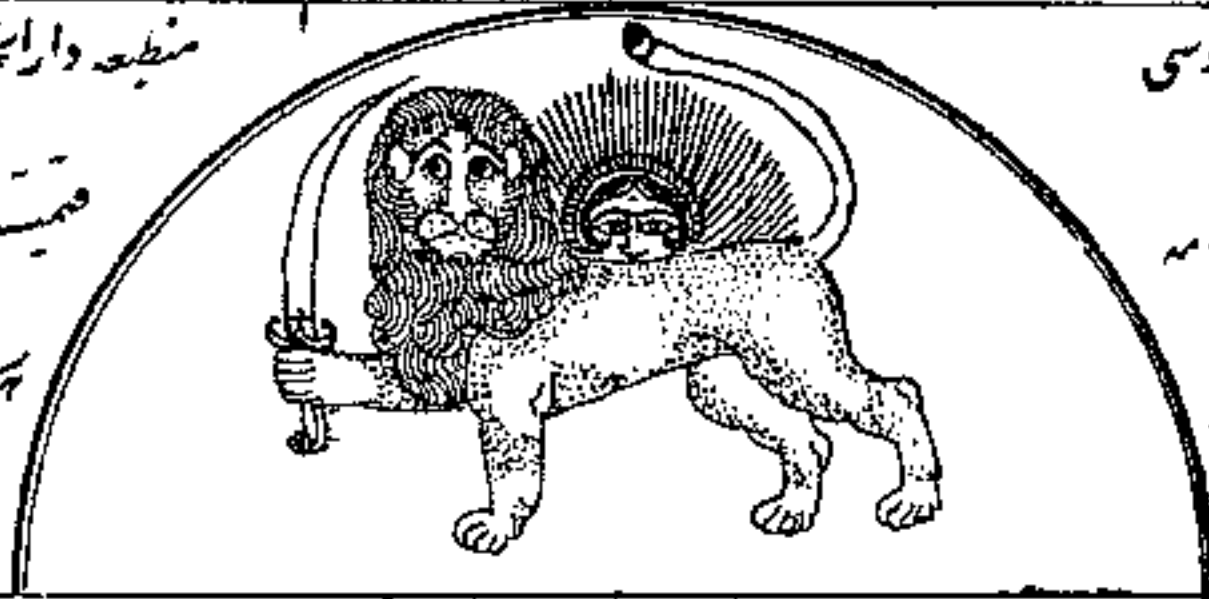
منبعه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شمشیر

هر خط یک شمشیر



اخبار واحوال ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

سابقاً در روزنامه مورخه تاریخ ۲۰ شهریور ۱۲۷۲ تفصیل انعقاد عهدنامه دولتی و دوستی دوستان
 و نیوکیتن ایران و انگلیس توسط سفیری که برانجا جانین در پاریس و آوردن عهدنامه مبارکه را عالیجاه محترم
 زبیرخان سرتیپ و نایب اول سفارت بزرگ دولت علیه بدر بار کردون مدارهایون سمت نگارش یافت
 چون عهدنامه مبارکه فرابوره باقتضای مراعات دوستی کاذبه قدیمه دولت انگلیس و احکام مبانی مرادیه بود
 آیات مقبول رای اوزر کوکانه اعلیحضرت اقدس هایون شاهنشاهی دامت شوکتها و حضرت مبارک امضا و تصدیق
 و جناب جلالت اب شرف امجدارفع صدر عظمی افخم نیز خط و مهر نموده مصحوب عالیجاه محترم به جهت
 سرتیپ موافق نص صریح عهدنامه میبوی که بیایست در بغداد مبارکه شود و از شدت بجز از ورود مسافر
 ورود جناب جلالت نصاب مستر موره وزیر مختار دولت انگلیس مجلس سرتیپ داده شده از طرف جناب
 معزی الیه و صاحب منصبان سفارت عموماً از طرف قریب الشرف دولت علیه عالیجاه محترم بحضور آنجا تانیه میرزا
 ابراهیم خان کارپرداز اول و مخصوص دولت علیه مقیم بغداد و عالیجاه محترم سرتیپ جناب سرتیپ حضور
 رسانیده عهدنامه مبارکه بانچه که با امضا و تصدیق اعلیحضرت پادشاه انگلستان رسیده بود که بعد اولی در
 بعد از آن متعاقب شده و بیایین جناب معزی الیه و عالیجاه مشارالیه تاریخ هفتم شهر رمضان المبارک مبارکه گردید
 و در بیستم شهر نور عالیجاه مشارالیه عهدنامه مضی شده دولت انگلیس را بدر بار بعد از مدارهایون آورد و در
 این خدمت که از اواناشی شد بندگان اعلیحضرت اقدس هایون شاهنشاهی دامت شوکتها و از قریب حضرت
 فرموده بقطع نشان سرتیپ از درجه دیم و بکتوب خیمه برسم خلعت باو عنایت شد ازین بعد بیایین
 و نیوکیتن ایران و انگلیس کمال دوستی و مودت موجود و تبعه و رعایای آن دولت در هر جای خاک این دولت

۲۱۶۷

با احترام کامل میسر است و وقت عبور در مرز نمایند و مقرب جناب مغزی الیه با اجزای سفارت دولت
انگلیس و قونسولهای آن دولت معاودت سجاک دولت علیه خواهند کرد و قونسولها و مأمورین دولت
در شرف حرکت و بقام مأموریت خودشان سجاک دولت انگلیس خواهند رفت و حصول عهدنامه مبارک
کاملاً در اندک وقتی از طرفین مجری خواهد گردید

نظر بخوبی و صفای باغ جدید نظامیه و فوراً احس خاطر اقدس بپایون شاهنشاهی در حق جناب اشرف امجد
صدر اعظم افتخار و جناب فحمت نصاب نظام الملک عنایت باغ مزبور فرموده در روز شنبه بیست و ششم
رمضان المبارک تشریف فرماید از جانب جناب معظّم الیه و جناب فحمت نصاب نظام الملک
تقدیم قربانیا و پیشکش و پای انداز بطور شایسته و خوشه سایر مطلقان و وابستگان ایشان نیز مراسم
اجل آوردند و شب را نیز توفیق فرموده افطار و سحور را در آنجا میل فرمودند و بر وجود فایض اسجود بپایون
بسیار خوش گذشت گذشته تقدیم خدمات آنهاست و مقبول خاطر ملوکانه افتاده روز جمعه مبارک مبارک سلطانی
مهر تسلط عظمی (در روز دوشنبه که یوم غره سوال و عید ماه مبارک رمضان بود بقا
احیاء بزرگ اعلیحضرت اقدس بپایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه باسلام عام دادند اعظم و اعیان
چاکران در بار بپایون از سران و صاحب منصبان نظام و خوانین عظام و ارباب تعلم و غیره اول مجلس جناب
اشرف ارفع سدرت کبری و دکالت عظمی آمد و صرف شربت و شیرینی نمودند و بعد از آن بسلام اعلیحضرت
اقدس شاهنشاهی رفو تخت مرمر و بوانخانه بزرگ بفرمودند فایض اسجود بپایون ریب و زینت یافته
سرفرا سر و بوانخانه مبارک از اهل اسلام و بقدر کنجایش از آحاد توپچی و سرباز صفوف اسلام مرتب شده
سنگ توپ و زنبورک بفرمودند اعیان اجری گردید و عالیجاه خطیب باشی ادای خطبه بلیغ بنام اقدس
و احتشام بدعای بقای دولت و از دیار شوکت روز افزون نموده عالیجاه میرزا محمد علیخان سمس التمر
قصیده عراق در تهنیت عید برشته نظم کشیده بود در پیشگاه حضور مهر بطور مبارک معروض داشته مورد
الفتات گردید و سرکار اقدس اعلیحضرت شاهنشاهی جناب سدرت عظمی را مخاطب با خطابت حضرت امیر
فرموده فصلی از خوبی هوا و خوش گذشتن ماه مبارک رمضان فرمایش فرموده سلام منقضي گردید (اگر چه در
روزنامه سابق رفتن جناب مقرب انخافان شرح خان امین الملک الملی کبیر دولت علیه بلذون پای تخت دولت
بسیه است و عمل آمدن لوازم تشریفات و توقیرات سفارت کبری از جانب اند دولت بطور اجمال از فرار اجنا
روزنامه های و کستان نوشته شده است لکن این روز ما جناب مغزی الیه بطوریکه تفصیل در و خود را بلذون
نوشته بود ازین قرار است در شب ۳۳ مرتب از دولت انگلیس شده از جانب اند دولت

۲۱۶۸

پذیرائی و اکرام و احترامات را بطریق شایسته نسبت به سفارت کبری تقدیم رسانیده اند روز بعد با کالسکه مخصوص
اعلیحضرت پادشاه و بیجا به انگلستان جناب امین الملک و سایر صاحب منصبان شرف حضور ملوکانه ^{شاهزادگان}
در یافت کردند مراسم حرمت و مهربانی و اعزاز بعمل آمده جناب معزی الیه جنابان جلالت آبان صدر اعظم ^{عظما و وزراء}
امور خارج آن دولت را دیدن کرده روز بعد جناب معزی الیهها بیازید جناب امین الملک آمدند بعد از آن
کل رؤسا و کلاهی دولت نکلیس در دیدن جناب امین الملک کبری این دولت سبقت کرده در رسوم موافقت و صفوت
بطور آورده جناب معزی الیه ایشان را بارزید کرده شب و قدیم در و در مجلس شمس شهر که کل وزرا و اعظم
بودند سفارت کبری را ضیافت کرده اند و وظایف احترام را منظور نموده اند چهار شب بعد اعلیحضرت پادشاه
با فرودگاه انگلستان جناب امین الملک و اجزای سفارت کبری را و عده شام گرفته لوازم حرمت و نفقت
ملوکانه نسبت به ایشان فرموده اند وقت شام نواتب عالیه دختر بزرگ اعلیحضرت ملکه بقاعده یوروپ
دست جناب امین الملک را گرفته با او شام آن اعلیحضرت حاضر شده اند و جناب معزی الیه را در دست
خودشان پهلوی نواتب معظم الیهها داده اند و جنابان جلالت آبان صدر اعظم و وزیر امور خارجه و سایر
اکابر و روسای دولت مشارا الیهها در محفل ملوکانه حاضر بودند جناب امین الملک کبری معزی الیه را با غلبه جای که
تماسگاه بود با کمال احترام تماش و تغنن برده اند در دو فرسخی شهر توپخانه سوار شده اند دولت را که
و دیشر میگویند و محفل توپخانه و کارخانهای حربی دولت نکلیس است جناب امین الملک را دعوت کرده
عالیجاه محبت مسرا و همس صاحب که رئیس توپخانه بود با لباس رسمی حاضر شده با کل صاحب منصبان
توپخانه با موزیکان سلام نظامی و احترامات عسکریه را بعمل آوردند و شام مستقام که مخصوص توپخانه سواره
انهاست نمودند و بطورهای مختلف در صحن تاخت شلیک کردند و همچنین کارخانهای آن دولت بالواری
اکرام تماش بر دند و مراسم دوستی و اشخاص و ملازمه اعزاز و احترام را رعایت نمودند (از آنجا که رای
جهان ارای سرکار اعلیحضرت آه سس بهایون شانشاهی دامت شوکه و ایها پر اجزای خبرات و مبررات و
البغای باقیات صحاحات و تعمیرات و مرمت کاری قباج مستبر که و آثار خیریه و تمهید موجبات رفاه
و آسودگی بر ایاد و رعایای ممالک محروسه و بندگان خداست بنابر علییه بر حسب اشاره علییه ملوکانه خواهی از
دیوان اعلی برای مصارف تعمیرات بقعه مشوره و روضه مطهره سرکار فیض آنا حضرت معصومه علیها السلام
الاف العجبه و لیشنا و ساختن متدود خانه شهر قسم دست پیل دلاک و تعمیر خود پیل و کار و انشای
مرحمت شده بود که بصواب دید و استقام و مراقبت مقرب الخاقان ذوالفقار خان حاکم ولایت قم و سایر
سجوبی و احکام تمام ساخته شود مقرب الخاقان معزی الیه هم کمال سعی و مواظبت و سرکشی را در انجام

۲۱۶۹

کارهای مزبور در دو روز و سه روز سرکشی هر جا کرده بمقتد و مرتب هم قرار داده است که پس دلاک آمد بخارا
سرکشی نماید و ایشار الله تعالی کل تعمیر بنشیند بسی و استقامت مقرب انخافان ایشار الیه سمت انجام خواهد یافت
سده و ده خانه شهر این اوقات در نهایت استحکام با تمام رسیدند از بیم فرسخ شهر مانده جمع سدر با
و ایشار روح تا انتهای شهر منفع و مضبوط بسته اند بطوریکه دیگر چون الله احتمال منصرف سبیل شهر منصرف
نیست و باعث دعای امانی آن بلده و مترودین و زارین بر مزی عسرو دولت و شوکت شاهنشاهی گشت
و تعمیر است پس دلاک و کار و کسبهای انجام هم قریب با تمام است و سعی جمیده و مراقبت معزی از طرف
و محکم تمام ساخته میشود (چون نیت خیر جناب شرف اجداد رفع صدر اعظم فخر و ام اعلان پیوسته بر
ورقاه بندگان خدا و رعایای ساینده مصر و فاست محبه اینکه منزل حوض سلطان در راه حضرت
علیها و آباها الصلو و السلام زیاده کم آب بود و برای نبودن آب و سنگی منزل و مکان سجد مترودین
وزوار بدینکشت و عسرت حاصل می شد آب حوض سلطان کفاف آنها نمیکرد و در کار روانه ای انجام
نداشتن حجرات و اطاقها و مناسباتی و سایر طرزوات کفاف نشد عابرین و زارین را نمی نمود علاوه بر اینها
حوض سلطان و کار و کسبهای مزبور هم خراب بود و جهت جناب شرف ارفع اجداد ام اعلان محض رفاه و
احوال عابرین و تحصیل سباب دعا کونی برای وجود یارک سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بعد از اتمام
و مراقبت مقرب انخافان ذوالفقار خان حاکم ولایت قم و ساهه که استند که بزودی و خوبی تعمیرات و
حوض سلطانی و کار و کسبهای انجام پرداخت در رعایت استحکام و متانت تمام نماید علاوه حوض خوب و وسیع
و دیگر هم در جنب حوض سلطان بنیاد و کار و کسبهای دیگر هم در آنجا مشهور بصدریه مشعل بر حجرات و اطاقها
و سایر طرزوات با کمال زانت و استحکام اعدا شد نمید تعمیر کار و ایشار حوض سابق بسی و استقامت مقرب
ذوالفقار خان حاکم قم و ساهه با تمام رسید و کار و کسبهای جدید مشهور بصدریه و حوض تازه هم بنیاد
شده بقدریکه فرسخ از زمین با کمال متانت با لایحه مقرب انخافان معزی الیه می دود و فقه با انجام
کافی مینماید که ایشار الله تعالی بیچین در کمال خوبی و مضبوطی سمت انجام و اتمام بیاید این بنای خیر برای دیگر
حجیل شان و دعا کونی دوام و قوام دولت ابدان تمام پاینده و جاوید بماند و چنین مقرب انخافان معزی الیه
امر اولیای دولت علیه بلا خط رفاه حال مردم تنهیه قناتی که در شهر طغان است اقدام کرده سخنی را راه آب
قنات مزبور را پاک کرده اند و آب مزبور را بر آه انداخته روان نموده اند برای سیرابی خلق خدا و مزید عسرو
و ایشار خدا (از قرار عریض جناب محانت نصاب فرخ خان این الملک المچی گیر که با اولیای دولت علیه
و در زمانه و باه و نسیب نیز تباریح یازدهم و درین مطاین ۲۴ شعبان نوشته اند جناب فرخ خان المچی گیر

۲۱۷۰

علیه ایران حاکم پاریس است حکام صحرا با اتباع خودش از دو کشتی موسوم بانسی در زیر حکم کپتان آلان
 که دولت انگلیس مخصوصه بجهت مغزی الیه حاضر کرده بود رسواری شده و لیج که از پاریس بجهت معانداری الیچی مذکور
 مامور بود به سرای مغزی الیه باز پاریس را حجت کرد جناب فرخ خان در یک ساعت از دور که سرحد پاریس
 بجای که سرحد سجری فرانس است رسیده و از آنجا با در کتب پاریس رفت و جناب هدیزده ل خارجه نامیان
 یک مترجم وزارت را فرستاد که سفیر کبیر دولت علیه را بد برای کرده پاریس بیاورد (چون در این حسن
 صداقت و خدمتگذاری عالیجاه مقرب حضرت الخاقانیه میرزا حسن مشهور و مطوظ خاطر آه سس تا یون پاریس
 و امنای دولت علیه شایسته شمول رحمت گردید لهند در این اوقات بموجب فرمان در لعلان مبارک که
 به سخط تا یون منصب میل الله باشکری شاهزادگان عظام عموماً و نواب مستطاب شرف ارفع و ایالات
 نظام با حثام خصوصاً عالیجاه مشارالیه مفوض و در ازای منصب مزبور با عطای یکد اکل که مرض
 از جانب سنی اچوانب لوکانه قرین مغاخرت و مبادات آمد که بلوازم مثل مزبور قیام نماید) (چون عالیجاه
 اللهورن خان در توپخان مبارک که منصب پاریس سرافراز و مشغول خدمات بود مراتب شایستگی او مشهور
 اقدس تا یون شایسته آمد در این اوقات بموجب فرمان در لعلان مبارک که منصب سرهنگی توپخان
 سرافراز گردیده و بکلاً و شمال از جانب سنی اچوانب لوکانه با و خلعت رحمت گردید) (چون عالیجاه
 میرزا رضای که خدا در انجام خدمات محوله بخدمت و استقامت عمل آورد و خصوصاً در ایام ماه مبارک
 که محله ابوالحیجی خورده عظیم داشته و مسرتی که در خانه حاجی عبدالعظیم شده بود با بهتمام عالیجاه مشارالیه
 بدست آمده و اموال سرود از او بستر داد و حبس تسلیم گردید لهند مورد التفات شده بکثرت خدمت
 گرمانی عالی از جانب سنی اچوانب لوکانه با و خلعت رحمت **سایر ولایات** (از جمله
 از قراریکه در روزنامه تبریز نوشته اند امور انولایت قرین نظام است و انالی و ایمان دار سلطه تبریز
 روزهای ماه مبارک رمضان را در مساجد و معابد بلوازم طاعت و عبادت و دعا کونی و ات آه سس
 شایسته اشتغال دارند نیز غلظت که ترقی داشت در این روزها از اهتمامات نواب مستطاب شاهزاده
 نصره الله اوله و قدیمی فدوی دولت ابد استام مومن سلطان میرزا فضل الله وزیر نظام و پیشکار کل آذربایجان
 منزل کرده و ازین فرار سعاست برنج اعلی بکن هزار اشغال نه عباسی روغن لوزی هزار اشغال بکن چهار هزار
 دنیا کوشت بکن دو هزار انسان بکن سه عباسی کند مکن یازده شاهی جو بکن دو عباسی سنجو د بکن هزار
 و سایر چیزها نیز ازین فرار سعاست و امید است که پناه الله در روز بزرگتر از این تر گردد عسرت
 و پریشانی انالی انولایت بکلی رفع بشود

۲۱۷۱

گریانشان از فرار که در روزنامه گمانشان نوشته اند امور سرحد و لغو و شوارع عبور
 و مرور انولایت احسن برایت نواب استطاب عطاء الله و مستطاب علم و منصب و است زوار و قافله با سودگی از
 طرق سرحدات بمبارل و مقاصد میگذرند چون درین اوقات ایلات کوران و سنجابی از کرسیات حرکت
 کرده بطرف سیقات میروند راههای سمت زاب از ایل خالی میماند و زوان اطراف درین وقت بیشتر
 از سایر اوقات قفقاز و زوار میکنند لهذا مغرب بخاقان هدایت الله خان سرتب که حسب حکم نواب
 معزی الیه با فوج و اسناد نامور خلوصه زاب است مجدداً بر سر بار و سوار مستحفظین طرق و قراول
 بهر جا دسته سر بار افزوده است و قراول که از زاب قراول و مستحفظ مسراه زوار و قافله
 منازل قصر شیرین و قلعه سبزی و خانقین بوده و هم چنین از نقین الی زاب جمعیتی که معاودت کرده
 برای محافظت کرده بقصد برسانند که عابرین زاب و ایالات استی قلع الطریق مصون باشد
 و نوشته نصابت از هر دسته از زوار و قواقل در هر یک از منازل دریافت و خدمت نواب است
 روانه نماید و بسمت قوره تو نیز قراول که استه است که تا کنار اسپروان حفظ و حراست نمایند و کجا
 جهت اب در حق این سر بار و سوار مستحفظ عایشه و قدغن آید که دیده است که اگر کسی از آنها تکلیف
 شود مورد مواظده و سیاست باشد و این قراول بطوری مستحکم است که اگر یکی از آنها مالی در صحرا بیاورد
 در منازل از زوار و قافله بجا مانده باشد نمیتواند مالک و صاحب نماید بلکه باید حبس را پیدا کرد
 با تسلیم نماید از جمله زواری است باد که آمده روانه عیبات عالیات بودند در منزل قصر شیرین
 لشکر مال یکی از آنها بجا مانده بود مستحفظین قصر شیرین نگاه داشته در محبت آن زوار با و تسلیم کردند
 و چنین بسته مکاری شب از رباط قصر شیرین بار کرده بودند که بخانقین بروند در بین راه قلعه
 با رفتی بنیاد و زیدن کرده باران شدید میسر کرد بختی که مکار بیان را از دست و جیم جان
 مجال پاسبانی بالهای با کش نمانده دو قاطر آنها که بنا کرده بودند درین بین از راه کنار گرفته
 بعد از موقوف شدن باد و باران و رفع آن حالت آن دو قاطر منقود بودند مستحفظین طلب آنها رفت
 و در فرج دور از راه هر دو قاطر را با بار پیدا کرده آورده بصاحبش سپردند (از امور اتفاقیه نوشته اند)
 که در این اوقات باران بسیار شدیدی در زاب و اطراف بنای باریدن نموده و بنا
 و برق و شدت بارندگی گذاشت در شب استعجاب ناگاه برق نجات علی حسین یک لک که در
 زاب بود زده یک مرد و یک زن فوراً هلاک گردیده و پنج شش نفر مدیوش شدند و هفت نفر
 کاه و ماده کاه و نیز که در زیر چادر بودند کشته شدند

۲۱۷۲

اجبار دول خارج

از قرار خبری که از سیم تعرف در ساکنان باسلابول رسیده است مابین دولتین استریش و
نیمه صد و دویست و استقامت که در زیر حکومت دولت اردنیه است بر دولت حاصل
از جانب دولت استریش قطع مخایره با دولت اردنیه شده سفیر استریش که در شهر تورین اقامت
ترک سفارت کرده با استریش معاودت نموده است (دیگر نوشته اند سفیر که از جانب دولت
نیمه بر یک مجلس امپراطور دولت روس بیطرز بوزع رفته بود تا کنون در انجاست در این اوقات
توسط سفیر شارالبه مابین دولتین فرانس و روسیه معاوده تجارنی که سابقاً منعقد شده بود بعضی
قرارات آن فراتر تغییر و تبدیل شده و سفیر شارالبه تا مدت اختتام این فقرات در بطرز بوزع اقامت
(سجده ناست و ارتباط پیدا کردن با دولت و نه زوال که در سمت جنوبی نیکی دنیا واقع است در
از جانب دولت روسیه قرار شده است که یک نفر صلحت که از دولت فرانسور اقامت نماید) (نویس
نوشته روزنامه های سابق در مسئله جنگ انگلیس با چین در مجلس شور جناب لار دپارلمنت مابین
ملت و وکلای دولت مبنای وقوع یا فقه قرار شد که وکلای ملت مجدداً انتخاب شوند و اعضای مجلس
مزبور متفرق شدند تا بعد از تجدید وکلای ملت در مجلس ثانی جمع شوند از قرار روزنامه که این اوقات رسیده
وکلای ملت از هر شهر دو لایه معین گردیده و بعد از آنکه در میان آنها یکی از وکلای سابق نیست وکلای
تازه اند و یکی طرفدار جناب لار دپارلمنت و ازین قرار در افتتاح مجلس ثانی انجام امور چنانچه سابقاً
بودند بر حسب رای و خواهش جناب شارالبه استوار است حکام خواهد یافت) (از قرار اخباری که درین اوقات
از هندوستان رسیده است نوشته اند که چون بخش و ازار مالی شهر کانتان چین با مالی انگلیس که در شهر
مزبور ساکن بودند ظاهر گردید از جانب کشیهای دولت این خیلی کلوله توب و کلوله اتشی بشهر مزبور انداختند
در درون شهر زیاده از هفت هزار باب خانه و محارت و در خارج شهر بعد چهار هزار باب کاکین
زده شده و خراب گردید و مالی چین نیز محترمه و خانه های قوله ها و تجارت فرنگستان را هر چه بود آتش زدند
و فرنگیهار بسیار تجارت و اذیت و ضرر انداختند حتی یک نفر تاجر دولت هزار بارل خسارت کشیده
تا از آن مملکت بجان خلاصی یافته است) (سجده تحصیل فنون جغرافیا و بلدیات راضی از جانب دولت انگلیس
و وکلای شخصی جناب سودان فرستاده شده بود از قراریکه نوشته اند در وقتیکه شارالبه ملک نوری
از مالک سودان است وارد شده بود یعنی بر سر پای که بوده است مالی آن مملکت او را مقتول کرده
(در این اوقات در پارس شخصی با نام سجده خیزین القی اختراع کرده است که در هر دقیقه در

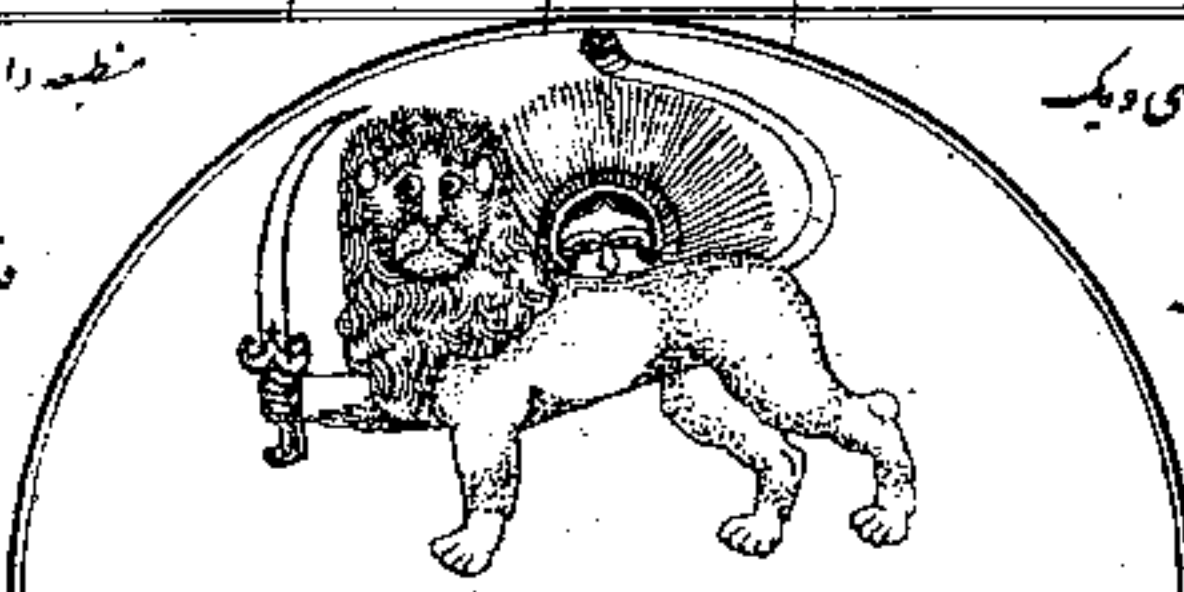
و یکدفعه در دوازده انگشت عمق زمین را حفری کند و کار هزار کس که بدست مباشرت نمایند از آن است
 ساخته میشود و به مجلس بارگشتن او در دهمین ماه آن مشهور و اعضای مجلس شد تصدیق نموده اند و
 امیر اطوار آنست که سیکه شریف فرمای مجلس بزور که دیدار است آلات صنعتی بزور و معاینه تمام شود و
 نموده و سبب اینکه بسیار سخن افتاده از جانب امیر اطوری مذکور افغامی که در حقش را لیه در ازای این سخن
 لازم است شده و مشارایه مورد التفات گردیده است) (تاکنون در دولت مجلس در کتب خانهای
 شاکردن را سوای زبان خودشان زبان فرانسه نیز می خوانند که بخوانند و بنویسند در این اوقات
 قرار شده است که خواندن و نوشتن زبان فرانسه را نیز با آنها سازند) (از نتیجه دولت روزیه شخصی
 که اصلاح و تعلیم موزیکان نیند است بخوبی خود آلت چانه زیرین کوشید بر آورده بشکل سترناکری ساخته
 و در وقت نواختن از او صوتهایی که تاکنون شمع نشد ظاهر کرد در این اوقات مجلس او را
 خواسته و ساز او را استماع نموده اثر استعدا و ذاتی او که از پیش خود التی چنین اختراع کرده که نغماتش از
 مصنوعات استادان این فن بیشتر مشهور و بلکه گردیده چینی وجه نقد با و اعطا کرده است و گذشته
 شخص نورد اتجاها خانهای لندن سببه استماع او از ساز او که تازی داشته است دعوت کرده اند
 و در مدت دو ماه چند هزار تومان از تماشا خانها عاید او گردیده صاحب ثروت و کنت کامل گردیده در حد
 سن از بگذرانی فارغ شده است) (از فراری که در بعضی تواریخ مسطور است در ایام چهارم هزار سال پیش ازین
 اموات را و فرنیس که در بلک فضلات و اشیا و معای او را دفع نموده و پشمی تجیر داده در میان سنگها منجمد
 و بعضی چیزهای غریب تخته نیر بگردن اموات تعلیق با و در میان سنگها میگذراند در این اوقات بعضی از اموات
 آن ایام را که از میان آن سنگها آورده اند لجزای آنها هیچ متلاشی نشده و بهمان هیات قدیم باقی مانده است
 قبل ازین شخصی فرانسوی نام سیمیا مصر و تماشای آن اموات قدیم با چاقو و بعضی از آن سنگها را یافته و
 درین تحقیق هیچ و آنکه کم درشت که از زبان ایام با مرده در میان سنگ گذاشته بودند پیدا کرده کند
 بفرانس آورده و گذاشته بود در سال اول مدد آن سبز شده و هر یک هزار و دولت کندم و او
 چون اینکه ربع از کندهای متعارفی دیده شده بود سال دیگر نیز همان کندها را گذاشته شخصی شصت
 آمد و از آن سال تا بحال سال بیال هر چه ازین کندم بعل آمده است کاشته و پرده شده متجاوز از هزار کند
 حاصل کرده است در این اوقات چاشنی و نمونه از با علیحضرت امیر اطوری تقدیم کرده و کتب درستی
 خوبی و طعم از سایر کندهای متعارفی بر آب امتیاز داشته است و در حضرت امیر اطوری موجب
 تکریم و التفات زیاد گردیده است

۲۱۷۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج بوم خستیه زدهم شهر الالموم مطابون سلان سیل ۱۲۶۳

نرسیده سی و یک

منطقه دارالخلافه طهران



قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

سرخه و دهی

هر سطر ده شمر

اجتار و احسد مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات که ایام ماه مبارک رمضان بخرمی منقضی شده است اوضاع درجانه مبارکه گمانی است بنظم و چاکران
 هایون و این سلام هر کس در سر شغل و کار خود با انجام حدت موجوده اشتغال دارد و نظر خوبی و صفای باغ لادرا
 که درین ایام بهار شگون بگل سرخ فراوان و انواع ریاحین است اعلیحضرت اقدس هایون شاهنشاهی شریف فرمای
 باغ مزور گردیده و چند روز است در اینجا توقف دارند و بعضی روزها هم از آنجا سوار شده بتفریح شیرینات که در این
 ایام کمال حضرت و خرمی را در از شریف فرمای شوند هوای دارالخلافه طهران نیز تاکنون در کمال خوبی گذشته است
 چنانچه سیاحتی درین فصل هوا بهین خوبی بود مردم هنوز در احوال قهاره نظام نیز از توپچی و سرباز و
 سواره نظام همه روزه در میدان ارک و میدان خارج دروازه دولت مشغول مشی میباشند و از جانب صاحبصبا
 معین کمال استام در مشق و نظم آنها میشود نوآب امیرزاده علیعلی میرزا سرب فوج کلیائی سپه نواب برادره عمارالدوله حکمران
 که با نایمان که با فوج شش هفت ماه در دارالخلافه ساخلو بود در روز جمعه پنجم این ماه با فوج مرخص گردید و از جانب
 ملوکانه یک سو به جهت ترم نیز با و حلقه مرخص شد عالیجاه زین العابدین خان سرمنگ فوج کلتر نیز با فوج در شانزدهم
 ماه رمضان المبارک وارد دارالخلافه مبارکه گردیده و در وقتی که اعلیحضرت اقدس هایون شاهنشاهی باغ نظامیه
 شریف فرمای شدند فوج مزور در معبر موکب هایون صف کشیده بنظر نه اثر ملوکانه رسیدند چون در کمال استقامتی و نظم
 و شکوه بودند مورخین و القات شدند و همه روزه مشغول مشی میباشند معین و شاکردان مدرسه دارالفنون
 که در ایام ماه مبارک مرخص بودند بعد از انقضای ایام سیام همه روزه مشغول تعلیم و تقم میباشند و بعضی
 حربیه و طبیه و هندسه و غیره خوب ترقی کرده و پاره مانور خدمات شده اند امور جبهه خانه و قورخانه مبارکه هم منظم
 اصناف و علمه روزه در کارند

۲۱۷۵